

ارزیابی تطبیقی مؤلفه‌های مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری عمومی با مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران^۱ به روش فازی مثلثی

محمد آرمانفر

گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

Armanfar.m@yahoo.com

فؤاد مکوندی*

گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

Foad.makvandi@iaiu.ac.ir

سیروس کراهی مقدم

گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

s_korahi@yahoo.com

محمد همتی

گروه مدیریت دولتی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

m.hemati@semnaniau.ac.ir

چکیده: ضرورت گذار از نظریه‌های عمومی و رسیدن به نظریه‌های ساختاری، اهمیت روش ارزیابی تطبیقی را دوچندان کرده است. سیاست‌گذاران اغلب با سؤالات پیچیده‌ای در زمینه طراحی و ارزیابی سیاست‌ها مواجه هستند. آن‌ها باید بتوانند ذینفعان را متقاعد سازند که شناخت مسئله به درستی انجام شده و نتیجه سیاست مورد نظر توقعات آن‌ها را برآورده خواهد کرد. بدین منظور این پژوهش مولفه‌های مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری عمومی را با مرور نظام‌مند مطالعات و پژوهش‌های پیشین در قالب ۱۶ گروه شناسایی و براساس داوری پنل ۱۵ نفره از خبرگان بخش دولتی صنعت نفت ایران، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی صنعت نفت و گاز، مؤلفه‌های احصاء شده را برای شناخت علمی و همه‌جانبه مسائل مرتبط با سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران به روش دلفی فازی مثلثی مورد ارزیابی تطبیقی قرار داده و در نهایت چارچوبی فراگیر برای مسئله‌شناسی تولید در شرکت مذکور ارائه نموده است. این پژوهش در سه مرحله روش دلفی فازی مثلثی ۲۶۲ مؤلفه مسئله‌شناسی را در قالب ۱۶ گروه، منطبق بر مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری تولید شرکت ملی نفت ایران تشخیص داده است.

واژه‌های کلیدی: تطبیق مؤلفه‌های مسئله‌شناسی، سیاست‌گذاری تولید شرکت ملی نفت ایران، مسئله‌شناسی، ارزیابی مسئله‌شناسی، تحلیل مسئله‌شناسی

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری محمد آرمان فر با عنوان "ارائه چارچوب مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران" است.

* نویسنده مسئول

۱- مقدمه

امروزه تامین پایدار و امن انرژی از کلیدی‌ترین دغدغه‌های کشورها به شمار می‌رود. برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در این حوزه به نوعی بر امنیت ملی و جایگاه جهانی کشورها اثر می‌گذارد و حتی در طول تاریخ، جنگ‌های بسیاری بر سر تامین انرژی در گرفته است (جنگ‌های عراق، کویت، تقسیم شدن سودان و...). لذا برنامه‌ریزی و تدوین سیاست‌های جامع تولید انرژی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یک امر مهم قلمداد می‌شود (فریدی مهر و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعات انتقادی انجام شده در موضوع سیاست‌گذاری تولید در کشور ایران به‌طور عام و سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران به‌طور خاص نشان می‌دهد فرایند سیاست‌گذاری تولید در ایران متأثر از معضلات عمده ساختاری و نظری می‌باشد (توفیق، عابدیان، ۲۰۱۶). شرکت ملی نفت ایران به عنوان بزرگ‌ترین هلدینگ تولید انرژی در ایران در چنان جایگاه استراتژیکی قرار دارد که تدوین لایحه بودجه سالیانه کشور منوط به ارائه برنامه پیش‌بینی تولید شش‌ماهه، یک‌ساله و پنج‌ساله این شرکت می‌باشد (شادی وند، ۱۳۹۴). در این میان سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران متأثر از عوامل متعدد داخلی و بین‌المللی و فرایندی بسیار پیچیده و حساس بوده که شامل مراحل مختلفی می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۵). با توجه به اینکه در ادبیات این پژوهش مدلی جامع برای مسئله‌شناسی در حوزه تولید نفت یافت نگردید، راهبرد پژوهش بر این اساس شکل گرفت که یافته‌های پژوهشگران حوزه‌ی سیاست‌گذاری عمومی، توسط پنلی از خبرگان شرکت ملی نفت ایران به روش دلفی فازی مورد ارزیابی تطبیقی قرار گرفته و نتایج جهت طراحی چارچوبی برای شناخت مسائل سیاستی تولید در شرکت ملی نفت ایران مورد استفاده قرار گیرند. در واقع با این راهبرد به سیاست‌گذاران کمک خواهد شد تا پیش از طراحی و اجرای سیاست، در مرحله مسئله‌شناسی، با توجه به شیوه‌های تحلیل سیاستی که هنوز متولد نشده از خطاهای گذشته پرهیز نمایند. برای تحلیل نظام‌مند مسئله باید فرایند تحلیل مبتنی بر معیارهای مشخصی بوده و از تحلیل موردی پرهیز نمود. با بررسی دقیق‌تر مولفه‌های مذکور درمی‌یابیم که این مولفه‌ها بصورت غیر منسجم و در پژوهش‌های بیشماری مورد توجه پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری بوده‌اند لیکن در یک چارچوب واحد مورد ارزیابی قرار نگرفته‌اند. به عنوان مثال مک‌فالن و پریست^۱ (۲۰۱۱) و فریمن^۲ (۱۹۸۴)، بالان^۳ و همکاران (۲۰۲۰) و مولیانینگرام^۴ و همکاران (۲۰۱۳) و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اتحادیه اروپا (۲۰۲۱) مشارکت ذینفعان به معنی تحلیل ذینفعان مسئله و اطلاعات مربوط به آن‌ها با هدف همراه نمودن آن‌ها با سیاست‌ها، تحلیل

^۱ McFadden & Priest

^۲ Freeman

^۳ Balane

^۴ Mulyaningrum

نحوه مواجهه و درک بازیگران مختلف با مسئله، رضایت ذینفعان به عنوان شاخص عملکرد سازمان را مورد توجه قرار داده‌اند. آن‌ها معتقدند تجزیه و تحلیل ذینفعان یک ابزار برنامه‌ریزی و مدیریت اساسی است که ضمن کمک به شناسایی و تجزیه و تحلیل ذینفعان درگیر و روابط متقابل آنها به طراحی سیاست و اصلاح خط مشی کمک می‌کند. پژوهشگران دیگری نیز با پرداختن به نقش مشارکت در سیاست‌گذاری سازمانی آنرا در شناخت ابعاد مختلف مسائل سیاستی حائز نقش محوری دانسته‌اند. اشرفی و محمدی (۱۳۹۷) نشان دادند که صلاحیت مدیران، اختیارات مدیران، انتظارات ذینفعان و انتظارات شخصی مدیران بر مشارکت مدیران فرصت طلب که به دنبال فرصتی برای مشارکت در شکل‌گیری خط‌مشی‌گذاری هستند تأثیر مستقیم و معناداری دارند. روزبهانی (۱۳۹۴) بر متدهای شکل‌دهی به مسئله تمرکز نموده و معتقد است که متدهای شناخت مسائل سیاستی این قابلیت را دارند که امکان مشارکت و همکاری را افزایش دهند و رابطه معناداری بین متدهای شکل‌دهی به مسئله و جلب مشارکت وجود دارد، فضای گفتگو بر کانون کنترل بازیگران تأثیر دارد و باعث شکل‌گیری فهم مشترک بین آن‌ها می‌شود و فضای مشارکت را تقویت می‌کند. همچنین ثقفی و همکاران (۱۳۹۳) با تحلیل مدل‌های مختلف مشارکت ذینفعان نشان دادند چهار معیار قدرت، پتانسل، منافع و فوریت عوامل تعیین‌کننده مشارکت ذینفعان در سیاست‌گذاری عمومی هستند. وکیلیان (۱۳۹۵) نقش و تأثیر گروه‌های ذینفع، به‌ویژه گروه‌های ذینفع حمایتی درون سازمانی در سیاست‌گذاری‌ها را به روش تحلیلی-تطبیقی مورد بررسی قرار داده و بر مزایای مهم مشارکت گروه‌های ذینفع در فرایند سیاست‌گذاری تأکید و تصریح نموده است. ورویج^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، فاریس^۲ (۱۹۶۷)، بولمر^۳ (۲۰۱۵)، آلیجیکا^۴ (۲۰۰۶)، مک فادین، پرست و گرین^۵ (۲۰۱۱) نگاهت نهادی به معنای اینکه چه کسی و چگونه باید به مسئله رسیدگی نماید، درک توزیع قدرت موجود که ممکن است توسط یک ذینفع به کار گرفته شود تا بر نتیجه فرایند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد، شناسایی بازیگران، ارتباطات آن‌ها، تاریخچه آن‌ها و منافع آن‌ها و بازسازی ساختارهای قدرت و عناصری که در ساختار قدرت در اولویت است را مورد توجه قرار داده‌اند. هداوند و همکاران (۱۳۹۵) مهمترین عارضه‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری را مربوط به سیستم نظارت و ارزیابی دانسته و نگاهت نهادی را به عنوان راهکاری مناسب برای اصلاح سیستم نظارت و ارزیابی پیشنهاد نموده‌اند. کلاتری و منتظر (۱۳۹۵) معتقدند نگاهت نهادی بینش مفیدی را درباره چیدمان خاص نهادی برای سیاست‌گذاری به وجود می‌آورد و

^۱ Verweij

^۲ Faris

^۳ Bulmer

^۴ Aligica

^۵ McFadden, Priest, Green

اطلاعاتی فراتر از آمارها ارائه می‌دهد. به این ترتیب با استفاده از نگاهت نهادی می‌توان عدم تطابق، همپوشانی و نقایص برنامه‌های پشتیبانی را ملاحظه کرد. سعیدی و همکاران (۱۴۰۱) ابتدا نهادهای مرتبط با سیاست را شناسایی و سپس با بهره‌گیری از مفهوم مجاورت نهادی ظرفیت ارتباط‌گیری این نهادها با محوریت مسئله سیاستی را (از نظر تنوع و شدت) به عنوان عاملی اساسی برای ارزیابی سیاست در نظر می‌گیرند. هستر^۱ (۲۰۱۵)، تیموتی و گرگوری^۲ (۲۰۰۷)، گرگوری و اتکینز^۳ (۲۰۲۰) و باگاتس و کاتارزینا^۴ (۲۰۲۲) نگاهت ذینفعان را به معنای نقشه برداری ذینفعان که شامل ایجاد یک نقشه بصری از روابط قدرت بین گروه‌های مختلف بوده و به توسعه استراتژی‌هایی برای تعامل با آنها کمک می‌کند تعبیر نموده‌اند. این فرآیند به سیاست-گذار کمک می‌کند تا تعیین کنند چه کسی باید در حصول اطمینان از رضایت‌بخش بودن نتیجه برای همه افراد معیار تصمیم-گیری قرار گیرد. همچنین کاظمیان و جلیلی (۱۳۹۴) شناسایی ذینفعان کلیدی، منافع، منابع قدرت و نحوه تعامل آنان را زمینه ساز حضور آنان در فرآیند سیاست‌گذاری [از جمله شناخت مسئله] و جلوگیری از انحصارگرایی نهادی و عملکردی در نهادهای قدرت، حرفه‌ای، علمی و دانشی، اطلاعاتی و انحصارگرایی ساختاری در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و حقوقی می‌دانند. سجادی و همکاران (۱۳۹۷) عوامل قانونی، سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و بین‌المللی را به عنوان عوامل زمینه‌ای، استفاده از شواهد، توجه به اسناد بالادستی، تحلیل موقعیت، جلب نظر مدیران ارشد سیاسی، نگاه همزمان به تنظیم برنامه‌های حوزه‌های مختلف، و اولویت مدیریت بحران به عنوان نقاط قوت و استفاده از رویکرد بالا به پایین در برنامه‌ریزی، نادیده گرفتن برخی ذینفعان، و عدم توجه به هماهنگی حوزه‌های مختلف را به عنوان نقاط قابل اصلاح فرایند شناخت و اولویت بندی مسائل و اجرای چرخه سیاست‌گذاری برشمرده‌اند. جواهری و جلالی (۱۴۰۰) با تحلیل نقش ناسازه‌های مسئله‌شناسی در ایجاد ناهماهنگی میان محتوای سیاست‌های با ارزش‌ها و هنجارهای ذینفعان آن سیاست به طراحی مدلی برای مطالعه و تحلیل این قبیل ناسازه‌ها پرداخته‌اند. در این مدل با بهره‌گیری از روش تحلیل نظری و با تکیه بر رویکردهای شناختی در سیاست-گذاری عمومی شامل «پارادایم سیاست‌گذاری»، «مرجعیت» و «چارچوب ائتلاف حامی» تلاش شده است تا یک چارچوب پیشنهادی برای مطالعه ناسازه‌های سیاست ارائه شود. شفافیت به عنوان ارائه بیان دقیق، شفاف و مبنی بر واقعیات قابل‌سنجش از مسئله توسط اندیشمندان بسیاری از جمله لوت^۵ (۲۰۱۶)، لابتوکوف و وایمتال^۶ (۲۰۱۷) مورد توجه قرار گرفته است. به‌امین

^۱ Heste

^۲ Timothy & Gregory

^۳ Gregory & Atkins

^۴ Katarzyna & Bogacz

^۵ Louth

^۶ Laboutková & Vymětal

و همکاران (۱۳۹۸) معیارهایی مانند یکپارچگی هوشمند، افزایش مشارکت، نتیجه‌گرایی با محوریت ارزش‌های عمومی، افزایش انعطاف‌پذیری، کارایی و اثربخشی و توانمندسازی را برای تامین شفافیت در قالب الگوی شفافیت سیاست‌گذاری در بخش اقتصادی برشمرده‌اند. رجائی و همکاران (۱۳۹۶) شفافیت را به همراه منابع انسانی، رشد فرهنگی اجتماعی و وضعیت اقتصادی را به عنوان پنج عامل مهم در ایجاد محیط امن در سیاست‌گذاری عمومی عنوان نموده‌اند. حاجیانی (۱۴۰۰) ناکامی‌ها و عدم توفیق سیاست‌های بخش عمومی را ناشی از شناسائی نابهنگام مسائل دانسته و راهبردهائی مانند شفافیت و تغییرات ساختاری را پیشنهاد داده است. درودیان و همکاران (۱۴۰۲) شفافیت را یکی از ارکان مبارزه با فساد اداری قلمداد نموده است. ستاری و همکاران (۱۳۹۸) معتقدند درجات بالای شفافیت عدم اطمینان را کاهش، استنباط بخش خصوصی از اهداف دولت را بهبود می‌بخشد. اهمیت کسب مشروعیت در سیاست‌گذاری شامل نوع نگرش نهادهای قانون‌گذار و احزاب و گروه‌های ذی‌نفع به مسئله بوده و مشروعیت سیاست باید در ابتدا و هنگام تعریف مسائل مربوط به آن تأمین شود. همچنین تعیین این که مشروعیت چگونه و با استفاده از کدام روش‌ها باید به درستی اندازه‌گیری و ارزیابی شود و سطح مشروعیت خط مشی به عنوان میزانی که ارزش‌ها و باورهای زیربنای محتوای خط مشی عمومی با ارزش‌های ایجاد شده در بین عموم مطابقت داشته باشد توسط بسیاری از دولت‌ها و اندیشمندان از جمله متی (۲۰۱۱) و راسموسن و رهرا^۱ (۲۰۲۳)، پوگرینچی و رایان^۲ (۲۰۱۸) مورد تأکید قرار گرفته است. نجفی و همکاران (۱۳۹۹) مشروعیت سیاست را ابزاری برای مقبولیت اعمال قدرت در اجرای سیاست می‌دانند. حسینی (۱۳۹۶) معتقد است عینی‌سازی مسئله سیاستی از طریق کسب مشروعیت برای آن مقدور بوده و باعث می‌شود مسئله به واقعیت بدل گردد. در عین حال حسن‌زاده و سازمند (۱۴۰۱) فهم الگوی مشروعیت سیاست را متضمن عبور از ساده‌سازی و توجه به ابعاد چندگانه و پیچیده مشروعیت می‌دانند. حق‌شناس (۱۳۹۷) نه تنها سیاست بلکه فرایند سیاست‌گذاری را نیز نیازمند کسب مشروعیت می‌داند. وودویچ و همکاران (۲۰۱۶) کارائی و اثربخشی به معنی نحوه مداخله در مسئله برای حصول بهترین نتایج را از مولفه‌های مهم در شناخت مسائل سیاستی ارزیابی نموده‌اند. نادری (۱۴۰۰) برای تحقق این مهم تحلیل چند وجهی هزینه-اثربخشی را پیشنهاد نموده است. این روش با تلفیق دو تحلیل متعارف و پراستفاده، یعنی تحلیل تولید و تحلیل هزینه، اطلاعات علمی و فنی مناسب برای اولویت بندی به تخصیص منابع به مسائل سیاستی ارائه می‌نماید. مومنی و نعمت‌الهی (۱۴۰۲) عدم توجه به کارایی و اثربخشی در مواجهه با مسائل سیاستی را بررسی و ناسازگاری در ساختار سیاست-گذاری صنعتی کشور را عامل شکل‌گیری روندی که تداوم آن تضعیف بخش صنعت و کاهش توان تولید را در پی خواهد

^۱ Rasmussen & Reher

^۲ Pogrebinschi & Ryan

داشت می‌دانند. نمونه‌هایی از این ناکارآمدی از طریق ساختار نهادی نامناسب، قدرت‌های سیاسی و اجتماعی در شکل‌گیری سیاست‌های صنعتی، توانمندی پایین فناورانه بنگاه حمایت‌شونده، توانمندی پایین سازمان‌های اقتصادی (رقابت‌پذیری)، عدم مدیریت رانت توزیعی، نفوذ سیاسی بنگاه در لابی‌گری و دریافت رانت، گسترش مالکیت دولتی و شبه دولتی قابل تحلیل است. استرک^۱ و همکاران (۲۰۰۶) جامعیت در شناخت مسائل به معنای توجه به ابعاد و شدت مسئله، شناسایی خلاءها و تنگناها، اهداف سیاست، مشکلات سیاست، گزینه‌های پیش رو، تحلیل اثر مسئله و مقایسه گزینه‌ها و آثار سیاست‌ها، جمع‌آوری شواهد و دانش موجود و طراحی گزینه‌های متفاوتی را مهم دانسته‌اند. جواهری و همکاران (۱۳۹۹) جامعیت در شناخت یک مسئله سیاستی را به این معنا که هم مولفه‌های متنوع تری را شامل شود و هم گروه‌های متنوع تری را دربرگیرد تعبیر نموده‌اند. احمدیان‌دیوکتی و همکاران (۱۳۹۷) جامعیت در بررسی ابعاد مختلف مسئله را به خصوص در حوزه پیچیده اقتصادی ضروری دانسته و معتقدند این امر دید کاملی به سیاست‌گذار در افزایش ظرفیت تولید دانش محور که امروزه معیار اصلی در سنجش میزان توسعه کشورها است می‌دهد. تحلیل رویکردی به معنای سنجش میزان تعارض و یا توافق روی مسئله و ایجاد ادراک مشترک از آن مورد توجه برخی پژوهشگران از جمله میلووانوویچ^۲ (۲۰۱۸) بوده است. سالارکیا (۱۳۹۷) زمینه بروز تنش میان اطلاعات [به عنوان تعیین کننده رویکرد سیاست‌گذار به مسئله] و سیاست‌گذار را در نقش سیاست سازمانده‌ی، هدایت و کنترل اطلاعات دانسته و آنرا متغیری وابسته به دولت می‌داند که در طیفی میان پنج رویکرد سنت‌گرایان (استقلال کامل اطلاعات از سیاست)، عمل‌گرایان (اطلاعات با مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری کاملاً در سیاق سیاست گرفتارند)، نظریه آونگ (نوسان دائمی اطلاعات میان دو رویکرد سنت‌گرایان و عمل‌گرایان)، نظریه طیف (شامل طیفی از جدائی کامل تا درهم‌آمیختگی کامل) و نظریه استبدادی (هضم شدن اطلاعات در سیاست) در حال نوسان است. گروهی از پژوهشگران نظیر بوند^۳ (۲۰۱۸) و بلوم و کولمن^۴ (۲۰۱۹) گونه‌شناسی مسائل سیاستی به معنای پیش‌بینی زمان و مکان بروز مسئله و تنظیم مسئله به گونه‌ای که به روشن شدن راه‌حل‌های احتمالی کمک کند را مورد نظر قرار داده‌اند. منصور و همکاران (۱۴۰۰) نقص در گونه‌شناسی مسئله سیاستی را موجب نارسایی در نظریه‌پردازی، نارسایی در فهم و حل تعارضات نقش‌ها، نارسایی در دسترسی به منابع و فرصت‌ها و نارسایی در بسترسازی مناسب اقتصادی و اجتماعی دانسته‌اند. آن‌ها همچنین راهبردهایی مانند انجام تحقیقات بر مبنای سوالات و مسائل واقعی، بهره‌گیری از رهیافت‌های جدید و تجربیات زیسته سایر

^۱ Sterck

^۲ Milovanovitch

^۳ Bond

^۴ Blum & Kuhlmann

کشورها، توجه به اقتضائات، شرایط و ظرفیت‌ها و ارائه مدل‌های سنجش و ارزیابی را برای شناخت دقیق مسئله پیشنهاد داده‌اند. دسته دیگری از پژوهشگران مانند خواستار (۱۳۸۷)، هورنبک و پیترز^۱ (۲۰۱۷)، براون^۲ و همکاران (۲۰۱۹) تحلیل موضوعی مسائل سیاستی شامل چیستی مسئله و انتخاب مناسب یک یا ترکیبی از چند ابزار که با فعالیت مورد نظر بیشتر تناسب دارند را مورد توجه قرار داده‌اند. در این انتخاب سیاست‌گذار باید محدودیت‌ها و قابلیت‌های هر مقوله از ابزارها و همچنین پیامدهای ناشی از به کارگیری آن‌ها را مدنظر قرار دهد. ابزارهای مختلف، درجات مختلفی از اثربخشی، کارآیی، برابری، مشروعیت و حمایت سیاسی را دارا هستند که همین تناسب ابزاری، موقعیت‌های خاص مسئله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. درک ویژگی‌های اصلی مسائل سیاستی است که به روشنی با گزینه‌های طراحی سیاست و انتخاب ابزارهای سیاست مرتبط می‌باشد. نصیری و ردائی (۱۳۹۸) به دلیل اینکه درک صحیح ماهیت ابزارهای مختلف شناخت مسئله و منطق به کار بردن آن‌ها را حائز اهمیت می‌دانند بخش مهمی از فرآیند سیاست‌گذاری را به طراحی و انتخاب این ابزارها تخصیص می‌دهند. آن‌ها ابزارهای شناخت مسائل سیاستی را در چهار دسته ابزارهای متمرکز بر تحریک طرف عرضه سیاست [ذینفع]، ابزارهای متمرکز بر تحریک طرف تقاضا [سیاست‌گذار]، ابزارهای متمرکز بر شکل‌گیری روابط نظام‌ساز و ابزارهای متمرکز بر زیرساخت و مقررات‌گذاری معرفی نموده‌اند. در همین راستا دانایی‌فر و همکاران (۱۳۹۷) نیز مدل‌های انتخاب ابزارهای خط‌مشی عمومی (مدل اقتصادی، مدل سیاسی و مدل زیرنظام‌های خط‌مشی) را به عنوان ابزار بررسی و تحلیل مسئله در نخستین گام چرخه خط‌مشی‌گذاری برشمرده‌اند. در تاکید بر رویکرد استفاده از ابزار برای شناخت موضوعی مسئله فرهادی (۱۳۹۸) نیز معتقد است با رشد این تفکر که دیگر حکومت به تنهایی قادر به پاسخ دادن به مسایل پیچیده اداره امور عمومی نیست و ظرفیت‌های حل مسأله از طریق حکومت برای چنین وظیفه‌ای کافی نمی‌باشد و جهت حل مسائل عمومی، به جای «نهاد» و «برنامه» باید بر مجموعه‌ای وسیعی از ابزارهای سیاستی یا فناوری‌های اقدام عمومی، متمرکز گردید که این تفکر ظهور آشکال جدیدی از حکمرانی شبکه‌ای، چند سطحی و چند ذینفعی و فراحکمرانی را در پی خواهد داشت. عده‌ای دیگر مانند (ورویج و همکاران، ۲۰۱۶)، پیترز و هورنبک (۲۰۱۷)، براون و همکاران (۲۰۱۹) تحلیل شکلی شامل چگونگی قالب‌بندی مسئله، تحلیل گستره اثرگذاری و تأثیر پذیری مسئله و نحوه تعریف مسئله، توجه به ابعاد و شدت مسئله، درک مسائل سیاستی از طریق این خصوصیات است که می‌تواند کیفیت طرح‌های سیاستی را ارتقا داده و انتخاب ابزار را تسهیل نماید. توجه به ویژگی‌های ماهیتی مسائل می‌تواند بر انتخاب ابزارها و فرآیند سیاست‌گذاری تأثیر گذارد مانند: قابلیت حل شدن، پیچیدگی، گستره اثر، قابلیت تفکیک‌پذیری، امکانات بودجه‌ای، وسعت

^۱ Hoornbeek & Peters

^۲ Browne

(فعالیت‌های مرتبط) و وابستگی متقابل مسائل. تحلیل محتوایی مسائل مورد توجه برخی دیگر از پژوهشگران مانند مسیا و والاس (۱۹۹۶)، براون و همکاران (۲۰۱۹) بوده است. در تحلیل محتوایی تجزیه و تحلیل محتوایی مستندات، ساختاربندی مسئله برای کمک به افراد و گروه‌ها در بازنمایی و برقراری ارتباط از دیدگاه‌های خود با مسئله و بازنمایی ذهنی آن‌ها از مسئله مهم قلمداد می‌شود. در راستای اهمیت تحلیل وجوه و اشکال مختلف مسئله، شجاعی و همکاران (۱۳۹۵) معتقدند تحلیلگران در برابر مسئله‌ای قرار دارند که وابسته به زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی و زمان و مکان و دربرگیرنده برخورد ارزش‌ها و منافع گروه‌های مختلف است. از این رو، تحلیل‌گر سیاست بیشتر یک تفسیرکننده و تسهیل‌گر است که دیدگاه‌های مختلف در مورد مسئله سیاستی را به طور عمیق درک می‌کند و آن‌ها را در قالب‌ها و عبارات خودشان مورد قضاوت قرار می‌دهد. توجه به عوامل زمینه‌ای شامل تحلیل و بررسی علل وقوع و عوامل زمینه‌ساز تشدید مسئله، نقاط قوت، ضعف و محدودیت‌ها مورد توجه برخی دیگر از پژوهشگران مانند لندرو^۱ و همکاران (۲۰۲۰) بوده است. بر همین اساس نصری نصرآبادی و قاضی نوری (۱۳۹۹) الگویی تحلیلی برای توصیه‌های سیاستی در راستای حل مسئله ارائه نموده‌اند. در این الگو بر مبنای کارکردهایی مانند آگاه-سازی عمومی، هدایت و نظارت، تامین منابع، تولید دانش فنی و اجتماعی، انتشار دانش و همکاری و هم‌افزایی، کارآفرینی فنی و اجتماعی، استانداردسازی و ... توصیه‌های سیاستی در راستای بهبود عملکرد ارائه می‌شود. تمرکز این توصیه‌های سیاستی بر تعیین مسئله موجود و تعریف دامنه آن، تعیین اجزای ساختاری شامل: بازیگران، نهادها، شبکه‌ها، تعاملات و اتصالات ساختاری، تحلیل کارکردها، شناسایی ضعف‌ها و در نهایت ارائه توصیه‌های سیاستی و تنظیم سیاست نوآوری برای مسئله مورد بررسی بر اساس تحلیل کارکردی-ساختاری و ضعف‌های نظام سیاست‌گذاری می‌باشد. شناسایی عوامل محیط داخلی و خارجی مؤثر بر مسئله شامل عوامل اجتماعی، فنی، قانونی، پیرامونی، سیاسی، ارزشی و اقتصادی و پیش‌بینی اثرات مطلوب و نامطلوب آن‌ها بر سیاست‌ها، اسکن محیط تأثیرگذار و تأثیرپذیر از مسئله از طریق نظرسنجی و پرسش‌نامه‌ها توسط پژوهشگرانی مانند جاسینکاسک و بارکاوسکاسا^۲ (۲۰۱۵) مطرح شده است. تحلیل ساختاری مسئله شامل بررسی ساختارهای مختلف دولتی و غیردولتی که به نحوی در مسئله یا راه‌حل آن سهم هستند مورد توجه برخی دیگر از پژوهشگران مانند اصلی پور و خان-محمدی (۱۴۰۰) و بنی‌هاشمی (۱۴۰۱) بوده است. ورویج و همکاران (۲۰۱۶)، هاردی^۳ و همکاران (۲۰۱۸)، بوچانان و

^۱ Landro

^۲ Barkauskas & Barkauskienė

^۳ Hardy

میلر^۱(۲۰۰۷)، استیور^۲(۲۰۱۸)، مک نات و لونگو^۳(۲۰۱۸)، هاشتل^۴ و همکاران(۲۰۱۶)، ون دن برگ^۵(۲۰۱۷) و شارما^۶ و همکاران(۲۰۱۱) تحلیل اطلاعاتی به معنای اعتبار سنجی اطلاعات مرتبط با مسئله و روش‌های گردآوری آن‌ها، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی نظیر یادگیری ماشین، داده‌کاوی، کلان داده‌ها و هوش مصنوعی که در سال‌های اخیر افتخارهای نوینی در ارائه تحلیل‌های جامع و دقیق از مسائل سیاستی گشوده‌اند را برای تسهیل فرایند مسئله‌شناسی ضروری می‌دانند. در مجموع این پژوهش بر اساس پژوهش آرمانفر و همکاران(۱۴۰۲) و با شناسایی محورهای پیش‌گفته به عنوان مولفه‌های اساسی مسئله‌شناسی در فرایند سیاست‌گذاری شکل ۱، آن‌ها را در قالب پرسش‌نامه در اختیار پنبلی ۱۵ نفره از خبرگان متشکل از ۳ نفر از مدیران شرکت ملی نفت ایران، ۵ نفر از مدیران یک شرکت عمده تولید کننده نفت و گاز ایران، ۳ نفر از مدیران بخش‌های خصوصی و نیمه دولتی صنعت نفت و ۳ نفر از اساتید دانشگاه و پژوهشگران حوزه سیاست‌گذاری عمومی و یک نفر از مدیران صنعت پتروشیمی قرار داده و طی ۳ مرحله روش دلفی فازی مثلثی اجماع در خصوص ارزیابی و تطبیق مولفه‌های مسئله‌شناسی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری با مولفه‌های مرتبط با شناخت مسائل مربوط به سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران حاصل گردید.

^۱ Buchanan & Miller

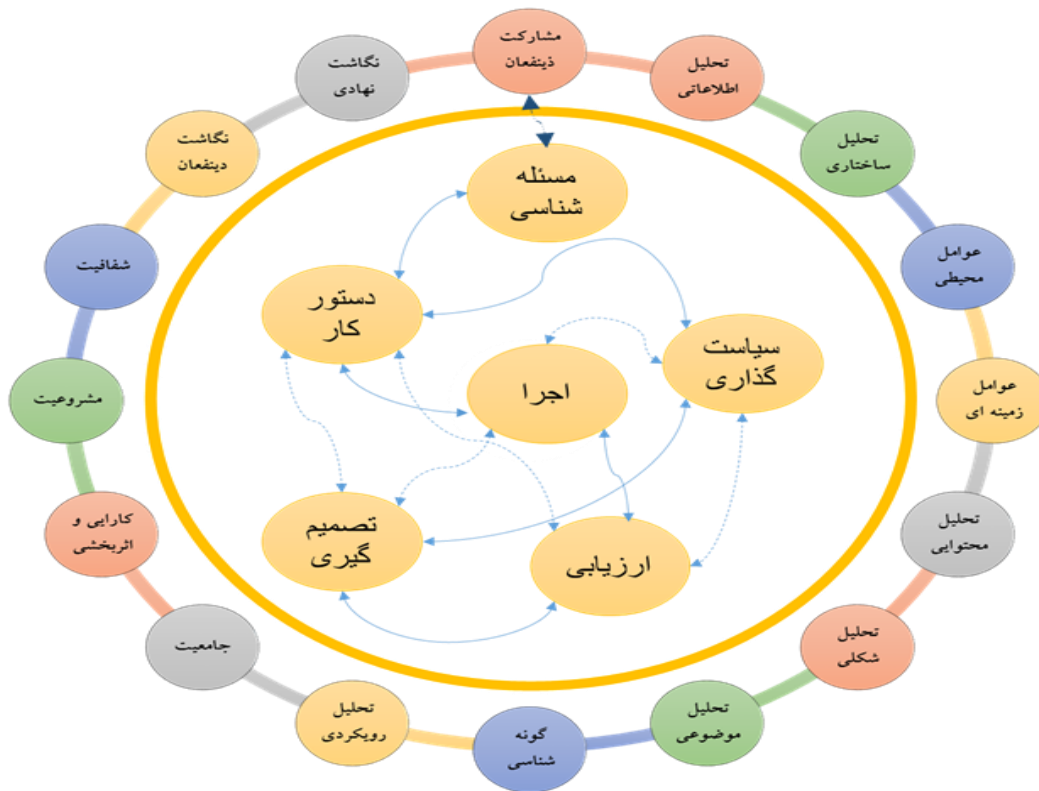
^۲ Steuer

^۳ Longo and McNutt

^۴ Höchtel

^۵ van den Berg

^۶ Sharma



شکل ۱ - مولفه‌های مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری (یافته‌های پژوهش)

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اندیشمندان حوزه سیاست‌گذاری متناسب با رویکرد خود در شیوه‌ی طراحی سیاست‌ها به امر مسئله‌شناسی پرداخته‌اند. یکی از رویکردهای غالب مسئله‌شناسی در قالب چارچوب ائتلاف طرفداری شکل گرفته است. این رویکرد مبتنی بر تجزیه و تحلیل مسئله و حفظ ثبات در طول زمان با تمرکز بر شیوه‌های تشکیل ائتلاف‌های مختلف حمایتی در زیرسیستم‌های خاص مربوط به سیاست مورد نظر می‌باشد. در این رویکرد، مسئله‌شناسی بر باورهای اصلی پیرامون مسائل سیاستی، ائتلاف‌های حامی مسئله و شیوه بیان آن، شناسایی بازیگرانی که در رابطه با مسئله اعتقادات خاصی دارند، مسئله‌شناسی یادگیرنده شامل تمرکز بر تفسیرهای مختلف از حقایق و رویدادهای مرتبط با مسئله در ائتلاف‌های مختلف و در نتیجه شناخت ماهیت، جنبه‌ها و پیچیدگی‌های مسائل سیاستی و در نهایت زیرسیستم‌های خط‌مشی، که زمینه‌ای را که در آن رقابت سیاسی برای اعمال نفوذ در فرایند مسئله‌شناسی رخ می‌دهد را توصیف می‌کند متمرکز می‌باشد. از پیشگامان این رویکرد می‌توان به ساباتیر و جنکینز (۱۹۹۹) اشاره نمود که در ادوار بعد پژوهشگران دیگری مانند داگلاس^۱ و همکاران (۲۰۲۲) با طرح مفاهیمی مانند شبکه‌های پیچیده‌ی ائتلاف طرفداری با هدف یادگیری، ایجاد تغییر و جهت‌دهی به سیاست‌ها با بهره‌گیری از شبکه‌های پیچیده اجتماعی با صدها لایه مختلف، متز^۲ و همکاران (۲۰۲۱) با تعدیل رسیدن به موفقیت‌های قطعی در ائتلاف طرفداری بر تفکیک قائل شدن میان باورهای اصلی و ثانویه خط‌مشی (با شناخت سیاست از منظر بازیگران) و توجه به موفقیت‌های جزئی

^۱ Douglas

^۲ Metz

می‌پردازند، این یعنی تقویت این تصور که بازیگران برخی از نکات را قبول می‌کنند اما در مقابل در برخی دیگر موفق می‌شوند. امروزه همچنان این رویکرد در مسئله‌شناسی مورد توجه بوده و نورشت و هینمیلر^۱ (۲۰۲۴) آنرا از نقطه نظر مبنایی برای مشارکت در استراتژی‌های مشترک، دارا بودن ظرفیت بسیج منابع سیاسی، دارا بودن توانایی به دست آوردن تأثیر در فرآیندهای سیاست‌گذاری، و لزوم آن‌ها به عنوان یک نهاد سیاسی مورد توجه قرار داده‌اند. با این حال اونو^۲ (۲۰۲۲) در عین معتبر دانستن فرضیه‌های تغییر سیاست از طریق ائتلاف‌های مدافع به عنوان مداخله‌گری مهم، نیاز به اصلاحات بیشتر در مورد فرضیه‌های تغییر سیاست را مورد تأکید قرار می‌دهد. در مقابل طرفداران سرسخت این رویکرد مانند مارکارد^۳ و همکاران (۲۰۱۶) معتقد به استفاده از این رویکرد در تحلیل و تئوری‌سازی در مطالعات سیاستی و تعامل سیستم‌های فنی-اجتماعی و سیستم‌های سیاست‌گذاری هستند. در نهایت جنکینز^۴ و همکاران (۲۰۱۸) با تحلیل مدل‌های متعدد یک چارچوب ساختیافته را آنگونه که در شکل ۲ نشان داده شده است برای درک تعاملات گروه‌های مدافع (طرفداری) با سیستم سیاست‌گذار در موقعیت‌های پرتعارض در سطح تحلیل زیرسیستم ارائه نمودند. با توجه به ویژگی‌های پیش‌گفته، شاخص‌های رویکرد ائتلاف طرفداری ابزار مناسبی در فرایند همگرا نمودن پلن‌نخبگان در این پژوهش فراهم می‌سازد. لذا در پیش‌جلسات توجیهی پلن‌خبرگان ضمن تشریح شاخص‌های ارزیابی مولفه‌های موضوع پژوهش، رویکرد ائتلاف طرفداری به عنوان راهبرد ارزیابی مورد توافق قرار گرفت. از دیگر رویکردهای عمده به مسئله‌شناسی می‌توان به مسئله‌شناسی مبتنی بر نهادگرایی اشاره نمود که در ابتدا توسط مارچ و اولسن^۵ (۱۹۹۸) مطرح و بعدها توسط اندیشمندان دیگری مانند اوستروم^۶ (۲۰۱۰)، لاوندس^۷ (۲۰۱۶) توسعه داده شد. مسئله‌شناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل نهادی بر اهمیت و نقش نهادها استوار است، به این معنا که نهادهایی مانند خانواده، نهادهای مذهبی، دولت و سیستم‌های حقوقی می‌توانند در طول زمان نسبتاً پایدار بوده و بر شیوه‌های ایجاد منافع و فرآیندهایی که مسائل از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند، تأثیرگذارند. تجزیه و تحلیل و طراحی نهادی امکان سازماندهی خودکار مدیریت مشارکتی در فرایند شناخت مسائل سیاستی را فراهم، مرزهای ذینفعان و منابع را مشخص و بین‌فایده‌ها و هزینه‌ها هم‌خوانی ایجاد می‌کند. هوفر^۸ (۲۰۲۲) نقطه ضعف این رویکرد را در اعتماد پائین عموم مردم به نهادها می‌داند. در مقابل بودنیکس^۹ (۲۰۲۰) نهادگرایی جدید را مطرح می‌کند که در آن انتخاب عقلانی به ما اجازه می‌دهد تا تأثیر نهادهای اجتماعی را بر بازیگران و انتخاب‌های آن‌ها، تعیین کنیم. از چارچوب نهادی به نفع خود استفاده نموده و چگونگی انتخاب بازیگران بر سیاست دولت را در سناریوهای مختلف ارزیابی نماییم. نهادگرایی مدرن با تکیه بر اصول جامعه‌شناختی بر تحلیل سناریوهای شناختی بازیگران، تغییرات آن‌ها و عواملی که بر این سناریوهای شناختی تأثیر می‌گذارند، تمرکز دارد.

^۱ Nohrstedt and Heinmiller

^۲ Ohno

^۳ Markard

^۴ Jenkins

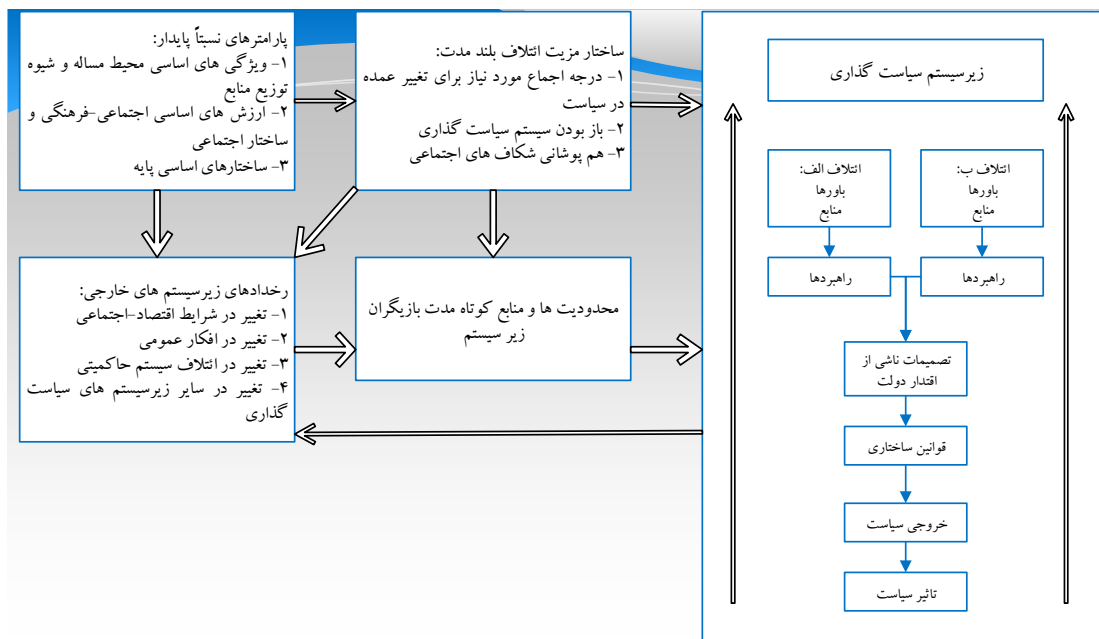
^۵ March and Olsen

^۶ Ostrom

^۷ Lowndes

^۸ Hoefler

^۹ Bodnieks



شکل ۲- چارچوب ائتلاف حامیان سیاست (جنکینز و همکاران، ۲۰۱۸)

نهادها بر اساس یک چارچوب دقیق نظارتی و هنجاری و منشورهای شناختی عمل می‌نمایند. بنابراین، یک چارچوب در سطح فراملی می‌تواند باعث تغییراتی در سطح ملی شود. دیدگاه‌های فرعی دیگری نیز در حوزه شناخت مسائل سیاستی مطرح است که از آن جمله می‌توان به مسئله شناسی مبتنی بر جریان‌های چندگانه که توسط کینگدان (۱۹۹۴) توسعه داده شد و فرض می‌کند که مسئله شناسی، محصول راه‌حل‌ها و فرایندهای سیاستی مرتبط با جریان‌های نسبتاً مستقل در سیاست‌گذاری است. تمرکز تحلیل مسائل بر پنجره‌های خط‌مشی یعنی کار در فضای میان سه جریان سیاست‌گذاری (مسئله شناسی، طراحی خط‌مشی و تبیین سیاست‌ها)، کارآفرینان سیاست‌گذاری یعنی بازیگرانی هستند که نقش کلیدی در برقراری ارتباط بین جریان‌های سیاست‌گذاری و به تبع آن در مسئله شناسی ایفا می‌کنند و تنظیم دستور کار می‌باشد. پژوهشگران دیگری مانند باچی^۱ (۲۰۲۰) به این رویکرد از منظر اهمیت و نقش شواهد پرداخته و امکان سنجی فنی، مقبولیت ارزش، هزینه‌های قابل تحمل، رضایت عمومی و پذیرش تصمیم‌گیری منتخب را در جریان چندگانه سیاست پرداخته است. اسمیت^۲ (۲۰۲۳) چارچوب جریان‌های چندگانه را به دلیل ناتوانی در شناسایی محرک‌های قوی سیاست‌گذاری نقد نموده و نیاز به شناخت بیشتر از تأثیر قوی عوامل نهادی در چارچوب جریان‌های چندگانه، به‌ویژه در مراحل مسئله شناسی و تصمیم‌گیری فرآیندهای سیاست‌گذاری را مطرح نموده است. هوفر^۳ (۲۰۲۲) معتقد است این رویکرد به ویژه در انجام مطالعات موردی مفید است. از سوی دیگر ونزلبرگر و هارتمن^۴ (۲۰۲۱) و یوهانسن و کویست^۴ (۲۰۲۰) معتقدند چارچوب جریان‌های

^۱ Bache

^۲ Smith

^۳ Wenzelburger and Hartmann

^۴ Johannesson and Qvist

چندگانه به یکی از مبانی نظری اصلی برای توضیح تغییر و خاتمه سیاست تبدیل شده است. مسئله شناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل شبکه سیاست از دیگر رویکردهای مورد توجه بوده که توسط اسکات (۲۰۰۲)، و سرمن و فاوست (۲۰۱۸)، پارسونز (۱۹۹۵)، سلمن (۲۰۰۰) توسعه داده شده است. تجزیه و تحلیل شبکه بر این ایده استوار است که یک سیاست در چارچوب روابط و وابستگی‌ها تنظیم شده است (پارسونز، ۱۹۹۵). در این رویکرد مسئله شناسی مستلزم درک روابط بین افراد در سیستم‌های اجتماعی و چگونگی اطلاع‌رسانی این روابط به سیاست‌گذاران است. طیف وسیعی از روش‌ها برای تعریف و بررسی شبکه‌ها وجود دارد. مسئله شناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل شبکه‌ها به دنبال کشف ماهیت، جنبه‌ها و پیچیدگی‌های مسائل سیاستی از طریق درک الگوهای ساختاری موجود در بین ذینفعان به منظور بررسی روابط بین آن‌ها، نحوه موقعیت‌یابی آن‌ها و چگونگی ساختار روابط در الگوی کلی شبکه است. ویژگی‌های شبکه‌ها اغلب از نظر تراکم شبکه (تعداد و شدت اتصالات)، انسجام شبکه (تعداد اجزای شبکه جداگانه)؛ تمرکز شبکه (نزدیکی روابط بین بازیگران اصلی)؛ و اتصال (به شبکه‌های دیگر) مورد بحث قرار می‌گیرد. عملاً چنین مفاهیمی برای کاوش در مسائلی مانند ساختار شبکه‌ها و تأثیر نسبی افراد مختلف مفید است. سؤالات شاخص در این رویکرد عبارتند از اینکه شرکت کنندگان (بازیگران سیاست) چه کسانی هستند؟ منابع و راهبردهای آن‌ها چیست؟ خودی (اصلی) و خارجی (پیرامونی) چه کسانی هستند؟ چه ائتلاف‌ها و اتحادیهایی آشکار است؟ کدام یک بیشتر مؤثر هستند؟

والث و گیلسون^۱ (۱۹۹۴) مسئله شناسی در مثلث سیاست را به معنای تجزیه و تحلیل مسائل سیاستی به صورت یکپارچه بر اساس تعامل بین محتوای خط‌مشی، زمینه، فرایند و بازیگران برای یک موضوع سیاستی خاص مطرح نمودند. ماکاریچف و دیز^۲ (۲۰۲۳) این دیدگاه را توسعه داده و عنوان نموده‌اند که چگونه توسعه و تعمیق شناخت در محدوده مثلث سیاست ممکن است به عنوان ابزاری برای درک منطق‌های مختلف محرک و ایستادن در پشت سیاست‌های خاص در شرایط بحران، شرایط اضطراری و استثنا استفاده شود و بر همین اساس زاهدی^۳ و همکاران (۲۰۲۳) به منظور تسهیل و بهبود فرآیند تحلیل مسائل سیاستی برای محققان و سیاست‌گذاران در قالب مثلث سیاست چک لیستی تهیه نمودند. بومگارتنر و جونز^۴ (۲۰۱۰) و بیر^۵ و همکاران (۲۰۲۲) مسئله شناسی در نقطه تعادل را بر اساس این فرضیه که سیاست‌ها [و به تبع آن ماهیت و جنبه‌های مختلف مسائل سیاستی] در طول زمان نسبتاً پایدار هستند مگر اینکه تحت تأثیر عوامل خارجی قرار گیرند مطرح نمودند و میچاود^۶ (۲۰۱۹) با همین رویکرد به تحلیل سیاست‌های بازار انرژی پرداخت. در این رویکرد مسئله شناسی با هدف ایجاد نقطه تعادل سیاستی از طریق ایجاد پایداری در مقابل شوک‌های خارجی انجام می‌گردد. رو^۷ (۱۹۹۴) مسئله شناسی روایتی را به عنوان تجزیه و تحلیل مسائل سیاستی به شیوه روایی شامل تعریف روایت غالب و شناسایی روایت‌ها و استدلال‌های سیاستی با عدم

^۱Walt and Gilson

^۲ Makarychev and Diez

^۳ Zahidie

^۴Baumgartner and Jones

^۵ Beyer

^۶ Michaud

^۷ Roe

قطعیت بالا، تصدیق روایات دیگر در موضوع که با روایت غالب مطابقت ندارد، مقایسه مجموعه روایت به منظور ایجاد یک فرا روایت و چگونگی بازنویسی مسائل سیاسی به گونه‌ای که بیشتر قابلیت انطباق با فرا روایت را داشته باشند. مسئله شناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل انعکاسی سیاست به منظور سازماندهی، تفسیر و درک واقعیت‌های پیچیده توسط رین و شون^۱ (۱۹۹۳) مطرح شد. هازر^۲ (۲۰۰۶) مسئله شناسی مبتنی بر تحلیل گفتمان استدلالی را با تاکید بر اینکه زبان به جای اینکه صرفاً یک رسانه خنثی باشد عمیقاً دیدگاه ما را نسبت به جهان و واقعیت شکل می‌دهد مطرح نمود و تاکید می‌کند که تحلیل گر باید بررسی کند که چگونه شناخت مسائل سیاسی با روایت خاصی که در آن بحث شده است ارتباط دارد. باچی^۳ (۲۰۰۹) بازنمایی مسئله شناسی را به عنوان روشی برای طرح مجموعه‌ای از سؤالات که به ندرت در سایر رویکردها مورد بررسی قرار می‌گیرد مطرح می‌کند. اینکه چگونه هر پیشنهادی لزوماً نمایانگر مسئله‌ای است که باید به آن پرداخته شود، چگونه این نمایندگی‌ها شامل پیش فرض‌ها و مفروضاتی است که اغلب تجزیه و تحلیل نمی‌شوند، چگونه این بازنمایی‌ها مسائلی را شکل می‌دهند که امکان تغییر را محدود می‌کند. همچنین چارچوبی برای بررسی شکاف‌ها و سکوت‌ها در مباحث مسئله شناسی با پرسیدن مواردی که در نمایندگی‌های خاص که بدون پاسخ مانده است، ارائه می‌دهد. در این پژوهش با مبنا قرار دادن نتایج پژوهش آرمان‌فر و همکاران (۱۴۰۲) که با تحلیل محتوای کیفی ۲۵۲ سند علمی اعم از کتاب، گزارشات تحلیلی، مقاله، مصاحبه، اسناد بالادستی و قانونی و ... به عنوان داده‌های کیفی از مقوله‌هایی که ضرورتاً از داده‌های کیفی مانند ادبیات و الگوی نظری موجود اخذ شده‌اند، جهت تلخیص و تحلیل استفاده نموده هرچند که این مقوله‌ها بارها براساس داده‌های کیفی مجدداً ارزیابی و در صورت نیاز اصلاح شده و در نهایت ۳۲۴۳ مفهوم، ۲۶۴ مولفه فرعی و ۱۶ مولفه اصلی در باب مسئله‌شناسی تولید شرکت ملی نفت ایران احصاء نموده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مولفه‌های مرتبط با حاکمیت، گروه‌های ذی‌نفع، گروه‌های ذی‌نفوذ، حساسیت مسئله، قلمرو مسئله، مقطع زمانی وقوع و هزینه‌های ایجاد شده مرتبط با مسئله، بر فرایند شناخت مسائل سیاسی تولید در شرکت ملی نفت ایران تأثیرگذار هستند. رویکردهای سیاست‌پژوهان داخلی نیز با توجه به رویکردهای قالب در عرصه سیاستگذاری و تطبیق آن‌ها را با ساختارهای عمدتاً دولتی و نیمه دولتی داخلی در مشرب‌های فکری کمابیش مشابهی قابل دسته‌بندی هستند. مقتدایی و ازغندی (۱۳۹۵) مسئله‌شناسی فراعقلایی به این معنا که فرآیندهای متعارف منطقی و عقلایی در فرایند شناخت مسائل پیچیده سیاسی کاربردی ندارند، در عوض نقش ویژه‌ای رویکرد ذهنیت‌گرا در نبود معیارهای کنترل کیفیت را برای این امر مناسب می‌دانند. الباجی و همکاران (۱۳۹۸)، عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، مصوری‌نظام‌آباد و همکاران (۱۴۰۱)، تفتیان و سرایانی (۱۴۰۲)، نظریان‌جشن‌آبادی و همکاران (۱۴۰۲) رویکرد مسئله‌شناسی پویا که بر مبنای آن پیش‌بینی‌ها باید همه جانبه، درازمدت و مبتنی بر تغییرات در وضعیت باشند را در پژوهش‌های خود به کار گرفته‌اند. معشوری و همکاران (۱۴۰۰) و حق‌شناس (۱۳۹۷) مسئله شناسی سیاسی مبتنی بر تمرکز بر تحولات اجتماعی، علوم سیاست‌گذاری پیشرفته و چارچوبی گسترده از تفکر تاریخی و تئوریک را معیار سیاست‌پژوهشی قرار داده‌اند. مسئله شناسی تاریخی به این معنا که استفاده از تجارب گذشته در قالب حدسیات فراتاریخی

^۱ Rein and Scho'n

^۲ Hajer

^۳ Bacchi

بدون محدود شدن در زمان گذشته، با اعتقاد به عدم قطعیت آینده و عموماً فروتر از حد انتظار ما از آینده، معیار شناخت باشد معیار سیاست‌پژوهی حسینی (۱۳۹۵) و خدایانه و همکاران (۱۴۰۰) بوده است. مسئله‌شناسی کلان‌نگر به معنای تمرکز بر مسیرهای حرکت عمومی، سیاست‌های کلان، استراتژی‌های بزرگ و پارادایم‌های سیاسی حاکم مورد توجه همایون و فرج‌نژادبرقویی (۱۳۹۳) و طاهرطلوع‌دل و حیدری‌پور (۱۴۰۱) بوده است. مهرگان و همکاران (۱۳۹۸) مسئله‌شناسی آشفته به معنای ارائه تعریفی محکم و قاطع از مسئله مورد مناقشه در مقطعی که دیدگاه کلان برتری وجود ندارد و با تغییرات پرشتابی در سیاست‌ها مواجه باشیم و همچنین توافق بر مسئله در نقطه‌ای که حالت تثبیت شده‌تری را داشته و دارند، صورت پذیرد چراکه تحت این شرایط مغشوش، سیاست‌گذاری‌های ظریف یک پندار باطل می‌باشد را معیار سیاست‌پژوهی خود قرار داده‌اند. مسئله‌شناسی بحرانی که تمرکز بر انتخاب‌های بحرانی در میان ابعاد مرتبط با یکدیگر را از ملزومات سیاست‌گذاری مدرن می‌داند مورد توجه پژوهش‌های اسماعیلی و نصراصفهان‌ی (۱۳۹۷) و سیدمحسنی (۱۳۹۹) بوده است. مسئله‌شناسی غیر قطعی که معتقد است مسائل سیاستی همراه با ریسک و خطر بر پایه پویایی واقعیت‌ها بوده و تکیه بر سه روش احتمالی، هرج و مرج و غیر مشخص در علوم سیاست‌گذاری پیشرفته را توصیه می‌نماید مورد توجه میرزازاده و همکاران (۱۳۸۴) بوده است. سرزعی (۱۳۹۶) به مسئله‌شناسی با رویکرد عقلایی که با اتکاء به شیوه‌های علمی، سیاست‌گذاری و روش شناخت مسائل سیاستی را فرایندی عقلایی و منطقی دانسته و معتقد است راه رسیدن به خط‌مشی مطلوب پیمودن مراحل است که به‌طور عقلایی بهترین نتیجه را می‌دهد را معیار پژوهش در ساختارهای رسمی می‌داند. مسئله‌شناسی با رویکرد نظریه بازی که در آن مجموعه‌ای کنشگر، اعم از فردی و جمعی، تحت مجموعه‌ای از قواعد معلوم، هر یک با مجموعه‌ای از گزینه‌های کنشی معین و نتایج مشخص (یا محتمل)، برای به حداکثر رساندن سود (نفع) فردی خود به تعامل (بازی) با یکدیگر برای غلبه روایت خود از مسئله سیاستی می‌پردازند در پژوهش‌های عبدلی و ناخدا (۱۳۹۵)، محمودی و صادقی (۱۳۹۹)، بغدادی و همکاران (۱۴۰۰) مورد توجه بوده است. مسئله‌شناسی با رویکرد اصالت قدرت در ساختارهای دولتی و شبهه دولتی که معتقد است روایت غالب از مسئله سیاستی قبل از آنکه محصول فرایندی عقلایی و منطقی باشد، حاصل بازی‌های قدرت، اقدامات سیاسی و زائیده ائتلاف‌ها، بده بستان‌ها و متقاعد ساختن‌های بی‌شماری بوده که بین سیاست‌گذاران و مراجع مختلف در ساختار جامعه وجود دارد و در نتیجه شیوه عقلایی، انتخاب احسن نیست. این فرایند زائیده تفکر یک فرد نیست، بلکه ارتباطات داخلی و خارجی، فشارهای درونی و بیرونی، ائتلاف‌ها و سازش‌ها، اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌ها، و عوامل بسیار دیگری، به آن شکل می‌دهد و شاید بدین جهت باشد که در برخی موارد با منطق علمی سازگار نمی‌نماید. در این رویکرد گاهی اعمال قدرت از پایین به بالا و گاهی از بالا به پایین صورت می‌پذیرد مورد استناد پژوهش نریمانی و همکاران (۱۳۹۷) بوده است. مسئله‌شناسی با رویکرد فرایند‌سازمانی به خصوص در سیاست‌پژوهی دولتی که مسئله‌شناسی را حاصل عملکرد سازمان‌های مختلف بخش عمومی در جامعه می‌داند و معتقد است سازمان‌ها امروزه تار و پود جامعه را در بر گرفته‌اند و ساختار تشکیلاتی کشور و نحوه ارتباطات و حدود اختیارات واحدهای مختلف هر یک بگونه‌ای در بیان روایت غالب از مسئله سیاستی موثر و مطرح می‌باشند در پژوهش‌های الوانی (۱۳۷۶)، پوراحمد و همکاران (۱۴۰۰)، تفرج‌خواه و همکاران (۱۴۰۱) ملاک تحلیل بوده است. مسئله‌شناسی با رویکرد مشارکتی در پژوهش‌های قربانی و همکاران (۱۳۹۱)، جمشیدی و

همکاران (۱۳۹۷)، محمدی و دانایی فر (۱۳۹۸)، تقی‌نژاد عمران و پهلوانیان (۱۴۰۲) ملاک تحلیل بوده است. در این رویکرد تحلیلی سازمان نوعی بازار برای بازیگران تلقی می‌شود. سازمان با حفظ توازن و پاسخ دادن به تقاضاهای بازیگران رقیب، خود را حفظ می‌کند. شناخت مسائل را می‌توان با مدلی به بهترین وجه بررسی کرد که در آن منافع و علائق فراوان و در غالب موارد متضاد در سیاست‌ها منعکس شده باشد. مصلی‌نژاد (۱۳۹۸)، جعفریه و همکاران (۱۳۹۷)، روحی‌پرکوهی و همکاران (۱۳۹۹) مسئله‌شناسی با رویکرد کنش جمعی را مورد توجه قرار داده‌اند. به بیان ایشان «مسئله کنش جمعی» یعنی چگونگی افرادی که در راستای منافع شخصی خویش عمل می‌کنند، نمی‌توانند منافعی را که از لحاظ جمعی به نفع همه‌شان است، تضمین کنند. بنابراین در این رویکرد به مسئله‌شناسی نفع شخصی افراد نقش محوری در شیوه شناخت و تفسیر مسائل سیاسی خواهد داشت. شکوری (۱۴۰۱) و غفاری و عزیزی مهر (۱۳۹۱) مسئله‌شناسی با رویکرد بالا به پائین که در آن مسئله محوری این است که روایت غالب از مسئله‌شناسی توسط دولت مرکزی صورت‌بندی می‌گردد را مورد توجه قرار داده‌اند. طرفداران این مدل، رویکرد تجویزی دارند. به رویکرد بالا به پائین به دلیل تاکید آن بر تصمیمات اتخاذ شده از سوی سیاست‌گذاران اصلی، عنوان پدیده نخبگان گرداننده نیز اطلاق می‌گردد. در مقابل توجه پژوهش‌گرانی مانند میان‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، سعیدی و همکاران (۱۴۰۱) معطوف به مسئله‌شناسی با رویکرد پائین به بالا بوده‌است. در این رویکرد در طراحی اهداف و سیاست‌ها، شناخت مسائل نقشی فعال دارد. تحلیل از پائین و با شناسایی شبکه‌های بازیگران دخیل در ارائه سیاست، آغاز می‌شود زیرا بوروکرات‌های سطح پائین از سیاست‌گذاران مرکزی به مسائل واقعی نزدیک‌تر و دارای قدرت تشخیص بیشتری هستند. در خط سیر میان‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) و ذبیح‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) مسئله‌شناسی با رویکرد ترکیبی را در تناسب با سیاست‌پژوهی در فضای سیاست‌گذاری داخلی می‌دانند که در آن با تاکید بر مفاهیم قدرت و مذاکره در فرایند سیاست‌گذاری، مسئله تعامل بین ساختار و بازیگران را مطرح و تقویت می‌شود. بر اساس این دیدگاه آن چه که در عمل حاصل می‌شود تابعی از قواعد، نقش‌ها، ارزش‌ها و منافع همه بازیگران است. بر اساس رویکردی که در چرخه سیاست‌گذاری انتخاب می‌شود مدل مسئله‌شناسی به عنوان چارچوبی برای فهم عمیق و بیان مسئله شکل می‌گیرد. با در اختیار داشتن چنین مدلی تحلیل نظام‌مند است که درک ابعاد و چالش‌های مسائل سیاستی امکان‌پذیر می‌گردد.

۳- روش تحقیق

از مهم‌ترین بخش‌های هر تحقیق، تجزیه و تحلیل اطلاعات است. وجود هرگونه خطا و اشتباهی در چنین بخشی می‌تواند به نتیجه‌گیری‌های نادرستی منجر گردد. انتخاب یک روش تحقیق مناسب، تا حد زیادی محقق را در جلوگیری از بروز اشتباهات در امر تحقیق یاری می‌رساند. داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده منابع خامی هستند که جهت کاربردی شدن نتایج آن‌ها بایستی توسط ابزار مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در این بخش جهت دستیابی به اهداف پژوهش به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. در بخش اول تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها، مولفه‌های مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران که از تحلیل محتوای اسناد و قوانین بالادستی حوزه سیاست‌گذاری جامع انرژی کشور، ادبیات و پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی، سخنرانی‌ها، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و وب‌سایت‌های خبری و تحلیلی، مستندات نهادهای بالادستی فعال در حوزه سیاست‌گذاری انرژی شامل قوانین، اساسنامه‌ها، مأموریت‌ها، چشم‌اندازها و نظرات خبرگان به خصوص مبتنی بر

پژوهش آرمان‌فر و همکاران (۱۴۰۲) در تحلیل تطبیقی توسط روش دلفی فازی مثلثی غربالگری و تأیید می‌شوند. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه‌ی گردآوری اطلاعات توصیفی-پرسشنامه‌ای در محدوده‌ی طیف لیکرت بوده است. در مرحله نخست پژوهش، مولفه‌های اصلی گردآوری شده در پرسشنامه شامل مولفه‌های شناخت مسائل در چرخه سیاست‌گذاری در اختیار پنلی با ۱۵ نفر عضو که به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی از میان مدیران صنعت نفت ایران، افراد حرفه‌ای و سیاست-پژوهان انتخاب شده اند قرار داده شد. خبرگان انتخاب شده دارای یکی از شرایط دارا بودن حداقل ۱۰ سال سابقه مدیریت در صنعت نفت یا تجربه مدیریت در شرکت‌های پیمان‌کار مگا پروژه‌های صنعت نفت و یا سابقه فعالیت پژوهشی در حوزه‌ی سیاست‌گذاری انرژی بوده‌اند. روایی محتوایی پرسشنامه، از طریق تأیید استاتید راهنما و مشاور و خبرگان حاصل شده است. مقدار آلفای گرونباخ برای داده‌های پرسشنامه دور اول برابر ۰/۹۶۷ و دور دوم برابر ۰/۹۶۵ و دور سوم برابر ۰/۹۷۲ می‌باشد که نشان دهنده پایایی پرسشنامه است. با توجه به مشکلات استفاده از اعداد صریح در این گونه مسائل، پس از شمارش امتیازات خبرگان، برای فازی سازی از اعداد دلفی فازی مارتینز و کانل (۲۰۱۱) استفاده شده است، که در ابتدا میانگین اعداد فازی بدست آمده و در نهایت میانگین قطعی محاسبه شد. دلیل انتخاب روش فازی مثلثی این است که علاوه بر تسهیل و کارا نمودن محاسبات، ابهام در ک مشترک از نظرات خبرگان را مرتفع می‌نماید (روزبهان، قلی پور، سید جوادین، ۱۴۰۱: ۶۴).

در خصوص روش دلفی فازی-مثلثی نیز باید گفت این روش فرایندی ارتباطی میان متخصصان است که بدون ارتباط رو در رو با یکدیگر برای حل مسئله‌ای به توافق می‌رسند (گورچیان^۱، ۱۹۹۴). این روش بر این پیش فرض شکل می‌گیرد که اجماع میان متخصصان از دیدگاه فردی قوی‌تر است (سید جوادین، ۱۳۶۴). بنابراین برخلاف روش‌های پژوهش پیمایشی، اعتبار روش دلفی نه به شمار شرکت‌کنندگان، بلکه به اعتبار علمی متخصصان شرکت‌کننده بستگی دارد. از این رو، تعداد اندک شرکت‌کنندگان (بین ۵ تا ۲۰ نفر) کفایت می‌کند (راو، ۲۰۰۱). در این روش هیاتی (پنل) از متخصصان شکل می‌گیرد. ارتباط میان اعضا نیز توسط پژوهشگر حفظ می‌شود؛ با این حال هیچ‌یک از کارشناسان یکدیگر را نمی‌شناسند و دیدگاه‌ها، پیش‌بینی‌ها و تمایلات به ارائه‌دهندگان آن‌ها منتسب نمی‌شود. در واقع انتشار این اطلاعات بدون اعلام هویت ارائه‌دهندگان انجام می‌گیرد (توروف^۲، ۱۹۹۶). پرسشنامه، پنل کارشناسان و ادوار پرسش سه عنصر اصلی در این روش هستند که با ساختار سازی جریان اطلاعات و ارائه بازخورد به شرکت‌کنندگان و بدون مشخص شدن هویت آن‌ها برای یکدیگر، توافق نهایی به دست می‌آید (سایتو و سینها^۳، ۱۹۹۱). ناشناس ماندن هویت افراد از نفوذ افراد مشهور در گروه‌های بحث یا فشار گروه برای همنوایی جلوگیری می‌کند. پرسشنامه‌ها به شیوه‌ای تنظیم می‌شوند که این امکان به وجود آید تا مخاطبان ضمن استنباط و فهم مسئله مطرح شده، واکنش‌های فردی خود را بروز دهند. وقتی پرسشنامه‌ها برگشت، طیف پاسخ‌ها و دلایلی که متخصصان برای پاسخ‌هایشان بیان کرده‌اند، بررسی و خلاصه می‌شوند. در این مرحله مواردی که مرتبط با اهداف تحقیق نباشند حذف و از این طریق از مسائل منفی رایج در تعاملات داخل گروهی اجتناب می‌شود. پس از آن، گزارش خلاصه برای متخصصان فرستاده می‌شود. متخصصان پس از مشاهده نتایج دور اول، اجازه دارند در دور دوم یا ادوار دیگر، پاسخ‌هایشان را بر اساس نتایج تغییر

^۱ Ghurchian

^۲ Turoff

^۳ Saito and sinha

دهند. بدین ترتیب در طول زمان با پیشرفت کار، دیدگاه‌های مخاطبان با موضوع مطرح شده تطابق خواهد یافت. این فرایند ادامه می‌یابد تا اینکه اجماعی درباره دیدگاه‌ها حاصل یا مشخص شود که متخصصان به توافق نرسیده‌اند (ورهاگن^۱، ۱۹۹۸). روش دلفی در زمینه‌های متعدد پیش‌بینی و تصمیم‌گیری به کاررفته است. برخی از موارد کاربرد آن عبارت‌اند از: آینده‌نگاری فناوری تجزیه و تحلیل خدمات دولتی، ابداعات آموزشی، طراحی و برنامه‌ریزی، پیش‌بینی جهت‌گیری سازمان‌ها و بخش‌بندی مشتریان و شناخت مناسب‌ترین گروه برای برنامه‌ریزی (جعفری و منتظر، ۱۳۸۶). همچنین دلفی به عنوان یک روش تحقیق و نیز یک روش جمع‌آوری اطلاعات قابل استفاده است (هسو^۲، ۲۰۰۸). روش دلفی فازی توسط کافمن و گوپتا^۳ ابداع شد. این روش تکامل یافته روش دلفی است که با دقت بیشتری انعطاف‌پذیری خود را حفظ و داده‌های غیرصریح و غیردقیق را تحلیل می‌کند. در روش دلفی فازی، داده‌ها به جای اعداد واقعی با اعداد فازی نمایش داده می‌شوند. مراحل اجرایی روش دلفی فازی در واقع ترکیبی از اجرای روش دلفی و انجام تحلیل‌ها روی اطلاعات با استفاده از تعاریف نظریه مجموعه فازی است. عدد فازی مثلی برای گنجاندن نظرهای کارشناسی به کار می‌رود (جعفری و منتظر، ۱۳۸۶). دیدگاه خبرگان در قالب یک عدد فازی مثلی جمع‌آوری می‌شود. هر عدد فازی دارای سه میزان حداقل، ممکن‌ترین و حداکثر مقدار ارائه است و سپس میانگین نظر خبرگان و میزان اختلاف نظر هر فرد خبره از آن محاسبه می‌شود. در این پژوهش از اعداد فازی مثلی (میرسپاسی و همکاران، ۱۳۹۵؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۴) که در جدول (۱) آمده استفاده شده است.

جدول ۱- عبارات زبانی و اعداد دلفی فازی (میرسپاسی و همکاران، ۱۳۹۵؛ موسوی و همکاران، ۱۳۹۴)

عبارات زبانی	اعداد فازی مثلی
خیلی کم	(۰,۰,۰,۲۵)
کم	(۰,۰,۲۵,۰,۵)
متوسط	(۰,۲۵,۰,۵,۰,۷۵)
زیاد	(۰,۵,۰,۷۵,۱)
خیلی زیاد	(۰,۷۵,۱,۱)

^۱ Verhagen

^۲ HSU

^۳ Kaufmann and Gupta

تایید و غربالگری شاخص‌ها از طریق مقایسه مقدار ارزش اکتسابی هر شاخص با مقدار آستانه صورت می‌پذیرد. در این پژوهش مقدار ۰.۷ به عنوان مقدار آستانه در نظر گرفته شده است (راهداری و نصر، ۱۳۹۶). برای این کار ابتدا باید مقادیر فازی مثلثی نظرهای خبرگان محاسبه شده سپس برای محاسبه میانگین نظرات n پاسخ دهنده، میانگین فازی آن‌ها محاسبه شود. محاسبه عدد فازی T برای هر یک از شاخص‌ها با استفاده از روابط (۱) تا (۴) صورت می‌گیرد (راهداری و نصر، ۱۳۹۶؛ سیف‌الدین و همکاران، ۱۳۹۶)

$$\tilde{t}_{ij} = (a_{ij}, b_{ij}, c_{ij}), \quad i=1, 2, \dots, n \quad j=1, 2, \dots, m \quad (1)$$

$$a_j = \sum \frac{a_{ij}}{n} \quad (2)$$

$$b_j = \sum \frac{b_{ij}}{n} \quad (3)$$

$$c_j = \sum \frac{c_{ij}}{n} \quad (4)$$

در روابط بالا اندیس i به فرد خبره و اندیس j به شاخص تصمیم‌گیری اشاره دارد. همچنین مقدار دی فازی شده میانگین عدد فازی از رابطه (۵) به دست می‌آید (راهداری و نصر، ۱۳۹۶).

$$\text{Crisp} = \frac{a + b + c}{3} \quad (5)$$

چنانچه اختلاف میانگین دو راند متوالی دلفی فازی از ۰.۱ کمتر باشد دلفی فازی به اتمام می‌رسد (چنگ و لین، ۲۰۰۲).

۴- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از طریق روش تحقیق کیفی اطلاعات مورد نیاز گردآوری و توصیف شده تا جنبه‌های مختلف پدیده مسئله شناسی روشن شود. این شناخت اولیه امکان صورت بندی فرضیه‌هایی درباره بروز پدیده مورد مطالعه را فراهم می‌کند. برای تحلیل کمی داده‌های کیفی گردآوری شده، جهت تدوین نظریه، سه مرحله دلفی فازی انجام و به عرضه پارادایمی منطقی یا تصویری از یک نظریه در حال تکوین منجر شده است.

۴-۱- آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

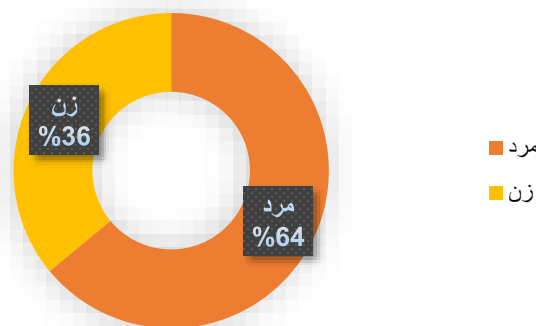
در این بخش، جهت توصیف ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای پنل خبرگان مقایسات زوجی از جنبه: جنسیت، سن، سابقه کار و تحصیلات انجام خواهد شد.

۴-۱-۱- جنسیت پاسخ‌دهندگان

همانگونه که در جدول (۲) و شکل ۳ ملاحظه می‌شود از میان ۱۵ نفر پنل خبرگان ۱۱ نفر مرد و ۴ نفر زن بودند.

جدول ۲- توزیع فراوانی جنسیت اعضای پنل خبرگان

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۱	۶۴
زن	۴	۳۶



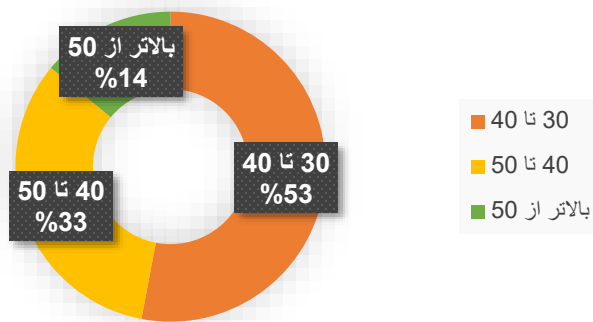
شکل ۳- جنسیت اعضای پنل خبرگان

۴-۱-۲- سن اعضای پنل خبرگان

با توجه به جدول (۳) و شکل ۴، بیشترین فراوانی اعضای پنل خبرگان مربوط به گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ بوده است و کمترین فراوانی مربوط به رده سنی بالای ۵۰ سال بوده است که تنها ۱۴ درصد از اعضا را تشکیل می‌دهند.

جدول ۳- توزیع فراوانی سن اعضای پنل خبرگان

سن	فراوانی	درصد فراوانی
۳۰ تا ۴۰	۸	۵۳
۴۰ تا ۵۰	۵	۳۳
بالتر از ۵۰	۲	۱۴



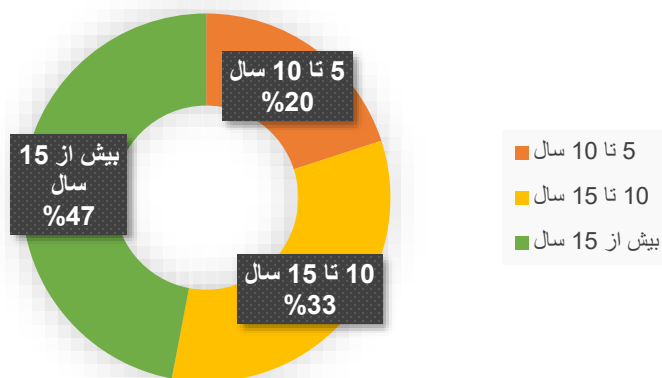
شکل ۴- سن اعضای پنل خبرگان

۴-۱-۳- سابقه کار اعضای پنل خبرگان

با توجه به جدول (۴) و شکل ۵، بیشترین فراوانی دارای سابقه کاری بیش از ۱۵ سال به میزان ۴۷ درصد بوده‌اند و کمترین فراوانی مربوط به سابقه کار بین ۵ تا ۱۰ سال با ۲۰ درصد است.

جدول ۴- توزیع فراوانی مربوط به سابقه کار پاسخ‌دهندگان

سابقه خدمت	فراوانی	درصد فراوانی
۵ تا ۱۰ سال	۳	۲۰
۱۰ تا ۱۵ سال	۵	۳۳
بیش از ۱۵ سال	۷	۴۷



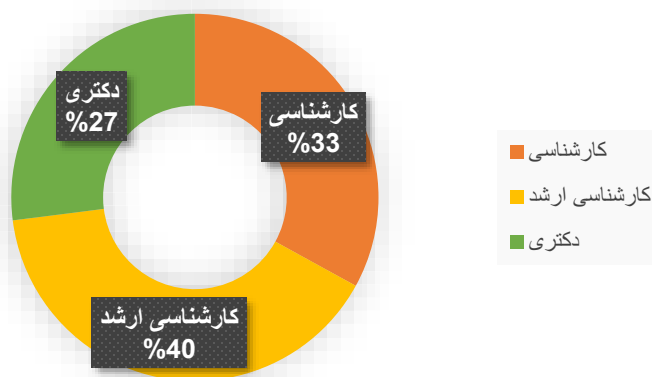
شکل ۵- سابقه کار اعضای پنل خبرگان

۴-۱-۴- تحصیلات اعضای پنل خبرگان

با توجه جدول (۵) و شکل ۶، بیشترین فراوانی اعضای پنل خبرگان دارای مدرک کارشناسی ارشد با ۴۰ درصد هستند و کمترین فراوانی مربوط به مدرک دکتری با ۲۷ درصد است.

جدول ۵- توزیع فراوانی مربوط به تحصیلات اعضای پنل خبرگان

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۵	۳۳
کارشناسی ارشد	۶	۴۰
دکتری	۴	۲۷



شکل ۶- تحصیلات اعضای پنل خبرگان

۴-۱-۵- مشخصات جمعیت شناختی پنل خبرگان

از آنجا که اعتبار پژوهش وابسته به این است که انتخاب اعضاء و فرایند تحلیل مسئله توسط خبرگان دلفی در خلاء صورت نپذیرد، لازم است ویژگی‌های خبرگان و اطلاعات عمومی آنان ذکر شده و مشخص شود که هر کدام در چه بخشی کار می‌کنند و چگونه می‌توانند طیف‌های مختلف ذینفعان و زاویه نگاه هر کدام را نمایندگی نمایند. لذا در جدول (۶) مشخصات جمعیت شناختی اعضای پنل خبرگان نشان داده شده است.

جدول ۶- مشخصات جمعیت شناختی اعضای پنل خبرگان

تحصیلات	مدرک تحصیلی	پست سازمانی	حوزه‌ی کاری
کارشناسی	مدیریت مالی	رئیس برنامه‌ریزی تلفیقی	شرکت بهره‌بردار نفت و گاز
	مدیریت دولتی	رئیس مهندسی تولید	شرکت بهره‌بردار نفت و گاز
	مهندسی صنایع	رئیس تدارکات و امور کالا	شرکت بهره‌بردار نفت و گاز
	مهندسی نفت	مدیر امور فنی	شرکت بهره‌بردار نفت و گاز
	مهندسی نفت	رئیس مهندسی بهره‌برداری	شرکت بهره‌بردار نفت و گاز
کارشناسی ارشد	مهندسی انرژی	مدیر عامل	هلدینگ انرژی (بخش خصوصی)
	مهندسی صنایع	مدیر فنی	هلدینگ انرژی (بخش خصوصی)
	مهندسی سیستم‌ها	مدیر عامل	شرکت مقاطعه‌کار پروژه ملی انتقال گاز
	حقوق	مدیر در امور بین‌الملل	شرکت نفتی دولتی (حاکمیتی)
	مهندسی پتروشیمی	مدیر مهندسی و توسعه	شرکت پتروشیمی (حاکمیتی)
دکتری	مهندسی نفت	مدیر در برنامه‌ریزی تلفیقی	شرکت نفتی دولتی (حاکمیتی)
	مدیریت صنعتی	رئیس مهندسی و ساختمان	شرکت نفتی دولتی (حاکمیتی)
	آینده پژوهی	مدرس دانشگاه و سیاست‌پژوه	دانشگاه آزاد اسلامی
	سیاست‌گذاری عمومی	مدرس دانشگاه و سیاست‌پژوه	دانشگاه آزاد اسلامی
	سیاست‌گذاری عمومی	مدرس دانشگاه و سیاست‌پژوه	دانشگاه آزاد اسلامی

۴-۲- نتایج پژوهش

برای تأیید عوامل تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران که با تحلیل محتوای متون استخراج گردیده از روش دلفی فازی مثلثی که در ادامه به اختصار دلفی فازی ذکر می‌شود استفاده شده است. در این پژوهش دلفی فازی در سه مرحله صورت گرفته است. که در ادامه شرح نتایج آورده شده است.

۴-۲-۱- نتایج مرحله اول دلفی فازی

در این مرحله، پرسشنامه‌ای شامل ۱۶ مولفه‌ی اصلی و ۲۶۲ مولفه‌ی فرعی تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران در اختیار اعضای ۱۵ نفره گروه خبره قرار گرفت و از آن‌ها درخواست شد نظرشان را درباره‌ی هر مولفه در قالب متغیرهای کلامی مندرج در پرسشنامه بیان کنند. به دلیل کثرت مولفه‌ها بخشی از نتایج اولیه نظرات خبرگان به عنوان نمونه در جدول (۷) آورده شده است.

جدول ۷- نمونه نتایج دور اول شمارش نظرات خبرگان در مورد مولفه‌های مساله‌شناسی تولید شرکت ملی نفت ایران

میزان اهمیت					مولفه‌های فرعی مساله شناسی	کد	مولفه‌های اصلی مساله شناسی
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم			
۵	۵	۳	۲	۰	شناخت مکانیزم‌های پیوندیابی مسئله با بخش‌های مختلف به نگراشت نهادی مسئله کمک می‌کند	C۱-۱	نگارشات نهادی مسئله
۵	۵	۲	۲	۱	شناخت جنبه‌های تاثیر گذار/پذیر مسئله بر/از منابع انسانی به نگراشت نهادی مسئله کمک می‌کند	C۱-۲	
۲	۳	۵	۱	۴	شناخت ضعف‌های نهادی مرتبط با مسئله به نگراشت نهادی مسئله کمک می‌کند	C۱-۳	
۳	۵	۴	۰	۳	تبیین چارچوب نهادی مسئله به نگراشت نهادی مسئله کمک می‌کند	C۱-۴	
۳	۶	۰	۲	۴	شناخت نقش و کارکرد نهادهای نظارتی به نگراشت نهادی مسئله کمک می‌کند	C۱-۵	
۴	۸	۲	۰	۱	تشریک مساعی مدیران عالی، میانی و عملیاتی در فرایند شناخت مسئله به نگراشت نهادی مسئله کمک می‌کند	C۱-۶	
۵	۴	۳	۰	۳	شناخت ارتباط نهاد متولی مسئله با کارکرد، زنجیره ارزش و سایر نهادها به نگراشت نهادی مسئله کمک می‌کند	C۱-۷	
۴	۳	۳	۰	۵	نهادسازی جهت مدیریت کارا و اثربخش در ارتباط زنجیره تامین و پژوهش در نگراشت نهادی مسئله نقش دارد	C۱-۸	
۲	۵	۴	۲	۲	شناخت رابطه نهادی مسئله با دولت در نگراشت نهادی مسئله نقش دارد	C۱-۹	
۵	۷	۱	۰	۲	شناخت مسائل سیاستی تولید نفت و گاز در بستر نهادی ملی مشترک در نگراشت نهادی مسئله نقش دارد	C۱-۱۰	
:	:	:	:	:	:	:	:

برای فازی سازی نتایج، ابتدا طیف جدول (۷) را به اعداد فازی تبدیل می‌کنیم سپس بر اساس روابط زیر، میانگین فازی از امتیازات اخذ و در مرحله بعد میانگین فازی به عدد قطعی تبدیل می‌شود. نتایج کلیه محاسبات فازی سازی در مرحله اول دلفی، در جدول (۸) آمده است. به عنوان مثال برای مولفه با کد C۱-۱ محاسبات دلفی فازی به این صورت می‌باشد که از

مجموع ۱۵ خبره ۰ نفر امتیاز خیلی کم، ۲ نفر امتیاز کم، ۳ نفر امتیاز متوسط، ۵ نفر امتیاز زیاد و ۵ نفر نیز امتیاز خیلی زیاد اختصاص داده‌اند. بنابراین امتیاز فازی و غیرفازی (قطعی) به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{امتیاز فازی} = \frac{0 \times (0, 0, 0.25) + 2 \times (0, 0.25, 0.5) + 3 \times (0.25, 0.5, 0.75) + 5 \times (0.5, 0.75, 1) + 5 \times (0.75, 1, 1)}{15} = (0.467, 0.717, 0.883)$$

$$\text{امتیاز قطعی} = \frac{0.467 + 0.717 + 0.883}{3} = 0.689$$

جدول ۸- امتیازات فازی دور اول ارزیابی مولفه‌های مساله شناسی تولید شرکت ملی نفت ایران

ردیف	کد مولفه	امتیاز فازی			امتیاز قطعی	وضعیت
۱	C1-1	0.467	0.717	0.883	0.689	تایید
۲	C1-2	0.450	0.650	0.817	0.639	تایید
۳	C1-3	0.283	0.450	0.667	0.467	رد
۴	C1-4	0.383	0.583	0.783	0.583	تایید
۵	C1-5	0.350	0.500	0.700	0.517	تایید
۶	C1-6	0.500	0.733	0.917	0.717	تایید
		⋮	⋮	⋮	⋮	⋮

در این پژوهش عدد آستانه ۰.۵ در نظر گرفته می‌شود که نتایج حاکی از تایید ۲۳۳ شاخص از مجموع ۲۶۲ شاخص و رد ۲۹ شاخص در دور اول می‌باشد. در جدول (۸) به دلیل کثرت مولفه‌ها بخشی از نتایج به عنوان نمونه ذکر شده است.

۴-۲-۲- نتایج مرحله دوم دلفی فازی

پس از بررسی نتایج مرحله اول دلفی فازی، در مرحله دوم پرسشنامه‌ی جدیدی طراحی و در اختیار خبرگان قرار داده شد که محتوای این پرسشنامه شامل ۳۰ مؤلفه‌ای بود که در دور اول، خبرگان در مورد آنها به توافق نرسیدند. در این پرسشنامه برای آگاهی خبرگان از نتایج مرحله اول، میانگین قطعی مرحله‌ی قبل آورده شده است. بنابراین خبرگان با توجه به میانگین نظرات قبلی، مجدداً در مورد این مولفه نظر خود را بیان نمودند. شمارش نظرات خبرگان در دور دوم نظرسنجی در جدول (۹) آمده است.

جدول ۹- نتایج دور دوم شمارش نظرات خبرگان در مورد مولفه‌های مساله شناسی تولید شرکت ملی نفت ایران

کد	مولفه‌های مورد ارزیابی در دور دوم	شمارش نظرات			
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد
۳-۱	شناخت ضعف‌های نهادی مرتبط با مسئله به نگاشت نهادی مسئله کمک می‌کند	۰	۵	۶	۲
۱۳-۱	شناسایی متغیرهای موثر بر انتخاب‌های لایه تاسیسی به نگاشت نهادی مسئله کمک می‌کند	۰	۴	۷	۴
۲۰-۱	شناخت ویژگی‌های فرهنگی و هنجارهای انسانی به نگاشت نهادی مسئله کمک می‌کند	۰	۴	۵	۵
۲۲-۱	شناخت مسائل محیط اقتصادی مبتنی بر چارچوب تحلیل و توسعه نهادی به نگاشت نهادی مسئله کمک می‌کند	۰	۴	۷	۲
۳-۲	شناخت تغییرات ساختاری که در ارتباط با مسئله رخ خواهد داد به شناخت ساختار مسئله کمک می‌کند	۰	۵	۵	۲
۸-۲	فرایندهای سازمانی، ساختارهای تشکیلاتی و حدود اختیارات مرتبط به شناخت ساختار مسئله کمک می‌کند	۰	۵	۵	۲
۱۱-۲	شناسایی ساختار نظام مدیریت مسئله در شرکت به شناخت ساختار مسئله کمک می‌کند	۰	۳	۷	۱
۱۶-۳	شناخت میزان تطابق مسئله با سیاست‌های کلان و پارادایم‌های سیاستی به شناخت جامعیت مسئله کمک می‌کند	۰	۳	۶	۶
۱-۴	شناخت فاکتورهای کارآمدی مسئله به شناخت کارایی و اثر بخشی مسئله کمک می‌کند	۰	۵	۶	۱
۱۴-۴	شناخت مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز (ارتقاء کارایی و اثر بخشی مسئله) به شناخت کارایی و اثر بخشی مسئله کمک می‌کند	۰	۴	۵	۱
۱۵-۴	ظرفیت‌های جذب تکنولوژی در داخل (ارتقاء کارایی و اثر بخشی مسئله) به شناخت کارایی و اثر بخشی مسئله کمک می‌کند	۰	۷	۲	۴
۱۱-۶	شناخت پیچیدگی‌ها و نوآوری‌های تکنولوژیک مسئله به شناسایی فناوری‌های تولید مرتبط با مسئله کمک می‌کند	۰	۳	۶	۶
۱۸-۶	شناخت موانع نهادی و ساختاری توسعه تکنولوژیک به شناسایی فناوری‌های تولید مرتبط با مسئله کمک می‌کند	۰	۵	۴	۵
۲۰-۶	شناخت سطح قابلیت‌های تکنولوژیک (بهره بردار، تعمیر و نگهداری، توسعه دهنده) به شناسایی فناوری‌های تولید مرتبط با مسئله کمک می‌کند	۰	۵	۶	۲

۳	۱	۵	۶	۰	ایجاد مزیت رقابتی پایدار به شناسایی فناوری های تولید مرتبط با مسئله کمک می‌کند	C۶-۲۳
۳	۱	۵	۶	۰	شناخت عوامل فرهنگی و رویکرد سیاستگذاری مربوط به مسئله به شناخت عوامل زمینه‌ای مسئله کمک می‌کند	C۸-۱
۱	۲	۹	۲	۱	شناسایی اقتضات محیط سیاسی و اجتماعی پیرامون مسئله به شناخت عوامل محیطی مسئله کمک می‌کند	C۹-۵
۰	۳	۹	۳	۰	شناخت جنبه های آسیب گریز آینده ساز مسئله برای پیشگیری تهدیدات به شناخت عوامل محیطی مسئله کمک می‌کند	C۹-۶
۳	۳	۳	۶	۰	شناخت جنبه های آسیب گریز آینده نگر مسئله برای گریز از آسیب تهدید به شناخت عوامل محیطی مسئله کمک می‌کند	C۹-۸
۱	۵	۳	۶	۰	شناخت عوامل سیاسی مرتبط با مسئله به شناخت عوامل محیطی مسئله کمک می‌کند	C۹-۱۸
۲	۳	۶	۴	۰	شناخت مهمترین بازیگران مسئله و نقش های آنها به نگاشت ذینفعان مسئله کمک می‌کند	C۱۰-۲
۱	۱	۷	۶	۰	شناخت رژیم مالی مسئله به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	C۱۱-۱
۲	۱	۸	۴	۰	شناخت ظرفیت مسئله در جذب سرمایه گذاری در فناوری های جدید انرژی به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	C۱۱-۵
۴	۱	۹	۱	۰	میزان سرمایه گذاری داخلی/خارجی مورد نیاز برای رسیدگی به مسئله به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	C۱۱-۶
۱	۳	۶	۵	۰	شناخت خدمات بهره برداری مرتبط با مسئله جهت طراحی شبکه ارزش به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	C۱۱-۹
۱	۲	۷	۵	۰	شناخت محتوای دانشی مسئله جهت تسهیم و انتقال دانش به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	C۱۱-۱۴
۱	۴	۴	۶	۰	شناخت مسئله بر اساس معادلات رفتاری عوامل مرتبط، به شناخت موضوعی مسئله کمک می‌کند	C۱۳-۸
۱	۲	۶	۶	۰	شناخت بدیل های مختلف مسئله بر مبنای سناریوهای مختلف به گونه شناسی مسئله کمک می‌کند	C۱۴-۱۴
۲	۲	۵	۶	۰	شناسایی ظرفیت های استفاده بهینه از محصول با ارزش افزوده بالاتر به شناخت رویکرد مسئله کمک می‌کند	C۱۵-۱۴
۲	۲	۵	۶	۰	شناخت ظرفیت مسئله در توسعه بنگاه های کوچک تکنولوژی محور (SME) به شناخت رویکرد مسئله کمک می‌کند	C۱۵-۳۱

جدول ۱۰- امتیاز فازی دور دوم ارزیابی مولفه‌های مساله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران

کد مولفه	امتیاز فازی			امتیاز قطعی	وضعیت	اختلاف میانگین قطعی دوره‌های اول و دوم
C1-3	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۳۳	۰.۵۰۶	تایید	۰.۰۳۹
C1-13	۰.۲۵۰	۰.۵۰۰	۰.۷۵۰	۰.۵۰۰	تایید	۰.۰۷۸
C1-20	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۸۳	۰.۵۴۴	تایید	۰.۰۸۸
C1-22	۰.۲۸۳	۰.۵۳۳	۰.۷۵۰	۰.۵۲۲	تایید	۰.۰۲۸
C2-3	۰.۲۸۳	۰.۵۳۳	۰.۷۵۰	۰.۵۲۲	تایید	۰.۰۵۵
C3-8	۰.۲۸۳	۰.۵۳۳	۰.۷۵۰	۰.۵۲۲	تایید	۰.۰۵۰
C3-11	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۸۳	۰.۵۴۴	تایید	۰.۰۸۸
C3-16	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۸۰۰	۰.۵۵۰	تایید	۰.۰۹۴
C4-1	۰.۲۵۰	۰.۵۰۰	۰.۷۳۳	۰.۴۹۴	رد	۰.۰۸۳
C4-14	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۸۳	۰.۵۴۴	تایید	۰.۰۹۴
C4-15	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۳۳	۰.۵۲۸	تایید	۰.۰۶۱
C6-11	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۸۰۰	۰.۵۵۰	تایید	۰.۰۷۲
C6-18	۰.۲۸۳	۰.۵۳۳	۰.۷۶۷	۰.۵۲۸	تایید	۰.۰۵۶
C6-20	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۳۳	۰.۵۰۶	تایید	۰.۰۳۹
C6-23	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۱۷	۰.۵۰۰	تایید	۰.۰۵۰
C8-1	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۱۷	۰.۵۰۰	تایید	۰.۰۵۰
C9-5	۰.۲۶۷	۰.۵۰۰	۰.۷۳۳	۰.۵۰۰	تایید	۰.۱۰۰
C9-6	۰.۲۵۰	۰.۵۰۰	۰.۷۵۰	۰.۵۰۰	تایید	۰.۰۳۳
C9-8	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۵۰	۰.۵۳۳	تایید	۰.۰۵۰
C9-18	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۵۰	۰.۵۱۱	تایید	۰.۰۵۰
C10-2	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۶۷	۰.۵۳۹	تایید	۰.۰۵۶
C11-1	۰.۲۰۰	۰.۴۵۰	۰.۶۸۳	۰.۴۴۴	رد	۰.۰۳۳
C11-5	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۳۳	۰.۵۰۶	تایید	۰.۰۴۵
C11-6	۰.۳۸۳	۰.۶۳۳	۰.۸۱۷	۰.۶۱۱	تایید	۰.۰۵۶
C11-9	۰.۲۵۰	۰.۵۰۰	۰.۷۳۳	۰.۴۹۴	رد	۰.۰۸۳
C11-14	۰.۲۳۳	۰.۴۸۳	۰.۷۱۷	۰.۴۷۸	رد	۰.۰۰۶
C13-8	۰.۲۵۰	۰.۵۰۰	۰.۷۳۳	۰.۴۹۴	رد	۰.۰۱۶
C14-4	۰.۲۱۷	۰.۴۶۷	۰.۷۰۰	۰.۴۶۱	رد	۰.۰۳۳
C15-4	۰.۲۵۰	۰.۵۰۰	۰.۷۱۷	۰.۴۸۹	رد	۰.۰۵۰
C15-31	۰.۲۵۰	۰.۵۰۰	۰.۷۱۷	۰.۴۸۹	رد	۰.۰۱۷

در جدول (۱۰)، میانگین فازی و قطعی مرحله دوم دلفی فازی آورده شده است همچنین در این مرحله تفاوت میانگین قطعی مرحله دوم و اول نیز آورده شده است. براساس نظر چنگک لین و همکارانش، چنانچه اختلاف بین دو مرحله نظرسنجی کمتر از حد آستانه خیلی کم (۰.۱) باشد، فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود یعنی به اجماع رسیده‌ایم (چنگک و لین، ۲۰۰۲). جدول ۸- نشان می‌دهد در تمامی مولفه‌ها اختلاف میانگین کمتر از ۰.۱ می‌باشد پس به اجماع رسیده‌ایم و برای ارزیابی ۸ مولفه‌ای که در مورد آن‌ها توافق بدست نیامده وارد مرحله سوم دلفی فازی می‌شویم.

۳-۲-۴- نتایج مرحله سوم دلفی فازی

در مرحله سوم، پرسشنامه‌ای متشکل از ۸ موردی که خبرگان در ارزیابی آن‌ها به اجماع نرسیده‌اند تهیه و در اختیار خبرگان قرار گرفت. همچنین در این دور نیز میانگین شاخص‌های دور دوم، در پرسشنامه قرار داده شد تا خبرگان از میانگین دور قبل شاخص‌ها نیز مطلع شوند. نتایج شمارش نظرات خبرگان در دور سوم در جدول (۱۱) آورده شده است. جدول (۱۲) نشان می‌دهد علاوه بر اینکه در تمامی مولفه‌ها اختلاف میانگین کمتر از ۰.۱ می‌باشد و خبرگان در مورد آن‌ها به اجماع رسیده‌اند، تمامی مولفه‌ها نیز مورد توافق قرار گرفته‌اند.

جدول ۱۱- نتایج دور سوم شمارش نظرات خبرگان در مورد مولفه‌های مساله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران

کد	مولفه‌های مورد ارزیابی در دور سوم	میزان اهمیت				
		خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱-۴-۵	شناخت فاکتورهای کارآمدی مسئله به شناخت کارایی و اثر بخشی مسئله کمک می‌کند	۰	۲	۹	۳	۱
۱-۱۱-۱	شناخت رژیم مالی مسئله به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	۰	۲	۱۱	۱	۱
۱-۱۱-۹	شناخت خدمات بهره برداری مرتبط با مسئله جهت طراحی شبکه ارزش به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	۰	۳	۸	۳	۱
۱-۱۴-۱۱	شناخت محتوای دانشی مسئله جهت تسهیم و انتقال دانش به شناخت محتوایی مسئله کمک می‌کند	۰	۲	۱۰	۲	۱
۱-۱۳-۸	شناخت مسئله بر اساس معادلات رفتاری عوامل مرتبط، به شناخت موضوعی مسئله کمک می‌کند	۰	۳	۷	۳	۲
۱-۱۴-۱۴	شناخت بدیل های مختلف مسئله بر مبنای سناریوهای مختلف به گونه شناسی مسئله کمک می‌کند	۰	۳	۹	۲	۱
۱-۱۵-۴	شناخت رویکرد مسئله در بهره مندی از نیروهای پیشران (سرمایه، مدیریت، فناوری) به شناخت رویکرد مسئله کمک می‌کند	۰	۲	۹	۳	۱
۱-۱۵-۳۱	شناخت ظرفیت مسئله در توسعه بنگاه های کوچک تکنولوژی محور (SME) به شناخت رویکرد مسئله کمک می‌کند	۰	۴	۷	۱	۳

جدول ۱۲- امتیاز فازی دور سوم ارزیابی مولفه‌های مساله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران

کد مولفه	امتیاز فازی		امتیاز قطعی	وضعیت	اختلاف میانگین قطعی دوره‌های دوم و سوم
	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰			
C۴-۱	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۸۳	تایید	۰.۰۵۰
C۱۱-۱	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۵۰	تایید	۰.۰۶۷
C۱۱-۹	۰.۲۸۳	۰.۵۳۳	۰.۷۶۷	تایید	۰.۰۳۳
C۱۱-۱۴	۰.۲۸۳	۰.۵۳۳	۰.۷۶۷	تایید	۰.۰۵۰
C۱۳-۸	۰.۳۱۷	۰.۵۶۷	۰.۷۸۳	تایید	۰.۰۶۱
C۱۴-۱۴	۰.۲۶۷	۰.۵۱۷	۰.۷۵۰	تایید	۰.۰۵۰
C۱۵-۴	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۸۳	تایید	۰.۰۵۶
C۱۵-۳۱	۰.۳۰۰	۰.۵۵۰	۰.۷۵۰	تایید	۰.۰۴۴

با توجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته این نتیجه‌گیری حاصل گردید که در مرحله شناخت مسائل در فرایند سیاست‌گذاری‌های تولید شرکت ملی نفت ایران باید ابعاد اثر پذیر و تاثیر گذار مسئله در حوزه‌های درون و برون سازمانی از سوی سیاست‌گذاران مورد توجه قرار گرفته و علاوه بر آن به ابعاد مرتبط با ماهیت مسئله نیز بطور دقیق پرداخته شود. گسترش دامنه این پژوهش و تحلیل و ارزیابی روابط میان مولفه‌های احصاء شده می‌تواند بستری برای طراحی یک الگوی پارادایمی جامع با هدف شناخت نظام‌مند مسائل مربوط به سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران را فراهم نماید.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه تحقیقات بسیار محدودی به مقوله مسئله شناسی به عنوان یک مرحله مستقل از فرایند مسئله شناسی پرداخته‌اند که شاید دلیل آن گستره‌ی بسیار زیاد عوامل تاثیرگذار و مؤلفه‌های شناخت مسائل سیاستی در حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری و عدم سنخیت موضوعی آنها با یکدیگر بوده است در این پژوهش تلاش گردیده به روش نظرخواهی از خبرگان در قالب روش دلفی فازی به ارزیابی تطبیقی مولفه‌های مسئله شناسی در سیاست‌گذاری عمومی با مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران پرداخته شود و در نهایت مولفه‌هایی که منطبق با ابعاد مختلف مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران تشخیص داده شوند بصورت چهارچوبی برای شناخت این دسته از مسائل سیاستی در قالب یک نقشه‌ی شناختی آنگونه که در شکل ۷ نشان داده شده است ارائه گردد.

بر اساس یافته‌های این پژوهش و هماهنگی با یافته‌های تحقیقات متی (۲۰۱۱) و راسموسن و رهبر (۲۰۲۳)، پوگرینچی و رایان (۲۰۱۸)، لوت (۲۰۱۶)، لابوتکوف و وایمتال (۲۰۱۷)، ورویج^۱ و همکاران (۲۰۱۶)، فاریس^۲ (۱۹۶۷)، بولمر^۳ (۱۹۸۴)، آلیجیکا^۴

^۱ Verweij

^۲ Faris

^۳ Bulmer

^۴ Aligica

(۲۰۰۶)، مک فادین، پرست و گرین^۱ (۲۰۱۰)، گیبونز^۲ و همکاران (۱۹۹۴) و استرک^۳ و همکاران (۲۰۰۹)، اسکات^۴ (۱۹۹۱)، و سمن و فاوست^۵ (۱۹۹۴)، پارسونز^۶ (۱۹۹۵)، سلمن^۷ (۲۰۰۰)، هداوند و همکاران (۱۳۹۵)، کلانتری و منتظر (۱۳۹۵)، سعیدی و همکاران (۱۴۰۱)، اصلی‌پور و خان‌محمدی (۱۴۰۰)، بنی‌هاشمی (۱۴۰۱)، جواهری و همکاران (۱۳۹۹)، احمدیان‌دیوکتی و همکاران (۱۳۹۷)، نجفی و همکاران (۱۳۹۹)، حسینی (۱۳۹۶)، حسن‌زاده و سازمند (۱۴۰۱)، حق‌شناس (۱۳۹۷)، بهامین و همکاران (۱۳۹۸)، رجائی و همکاران (۱۳۹۶)، حاجیانی (۱۴۰۰)، درودیان و همکاران (۱۴۰۲)، ستاری و همکاران (۱۳۹۸) عوامل درون‌سازمانی شناخت مسائل سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران ذیل پنج مولفه اصلی نگاشت نهادی، ساختارشناسی، شناخت جامعیت مسئله، شناخت کارائی و اثربخشی مسئله و شفافیت مسئله قابل ارائه می‌باشند.

عوامل شناختی مربوط به ماهیت مسئله نیز ذیل شش مولفه شناخت محتوایی مسئله، شناخت شکلی مسئله، شناخت موضوعی مسئله، گونه‌شناسی مسئله، شناخت رویکرد مسئله و مشروعیت مسئله توسط پنل خبرگان دسته‌بندی شده‌اند که با تحقیقات بوند (۲۰۱۸)، بلوم و کولمن (۲۰۱۹)، هورنبک و پیترز^۸ (۲۰۱۷)، براون^۹ و همکاران (۲۰۱۸)، ورویچ و همکاران (۲۰۱۶)، پیترز و هورنبک (۲۰۰۵) و ودویچ و همکاران (۲۰۱۶)، مسیا و والاس^{۱۰} (۱۹۹۶)، متی (۲۰۱۱)، راسموسن و رهبر^{۱۱} (۲۰۲۳)، پوگرینچی و رایان^{۱۲} (۲۰۱۸)، براون و همکاران (۲۰۱۹)، خواستار (۱۳۸۷)، شجاعی و همکاران (۱۳۹۵)، منصور و همکاران (۱۴۰۰)، نصیری و ردائی (۱۳۹۸)، دانایی‌فر و همکاران (۱۳۹۷)، فرهادی (۱۳۹۸)، جواهری و همکاران (۱۳۹۹)، احمدیان‌دیوکتی و همکاران (۱۳۹۷)، نجفی و همکاران (۱۳۹۹)، حسینی (۱۳۹۶)، حسن‌زاده و سازمند (۱۴۰۱)، حق‌شناس (۱۳۹۷) همساز می‌باشد. پنل خبرگان پس از ارزیابی انطباقی مولفه‌های مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری عمومی با مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران، عوامل برون‌سازمانی مرتبط با شناخت مسائل سیاستی تولید در شرکت ملی نفت ایران را در قالب پنج مولفه‌ی شناخت زمینه‌های مشارکت ذینفعان، شناخت عوامل زمینه‌ای و تشدیدکننده مسئله، شناخت عوامل محیطی مسئله، نگاشت ذینفعان مسئله و شناخت فناوری‌های تولید مرتبط با مسئله دسته‌بندی نمودند. این یافته با یافته‌های هستر (۲۰۱۵)، تیموتی و گرگوری (۲۰۰۷)، گرگوری و اتکینز (۲۰۲۰) و باگاتس و کاتارزینا (۲۰۲۲)، رحمان‌خان و خان‌داکار^{۱۳} (۲۰۰۱)، مک‌فالن

^۱ McFadden, Priest and Green

^۲ Gibbons

^۳ Sterck

^۴ Scott

^۵ Wasserman and Faust

^۶ Parsons

^۷ Selman

^۸ Hoornbeek and Peters

^۹ Browne

^{۱۰} Maseya and Wallace

^{۱۱} Rasmussen & Reher

^{۱۲} Pogrebinschi & Ryan

^{۱۳} Rahmankhan and khandakar

و پریست^۱ (۲۰۱۱) و فریمن^۲ (۱۹۸۴)، بالان^۳ و همکاران (۲۰۲۰) و مولیانینگرام^۴ و همکاران (۲۰۱۳) و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اتحادیه اروپا (۲۰۲۱)، لندرو و همکاران (۲۰۲۰) و بارکاوسکاسا و جاسینکاسک^۵ (۲۰۱۵)، پورکیانی و همکاران (۱۳۹۳)، اشرفی و محمدی (۱۳۹۷)، روزبھانی (۱۳۹۴)، ثقفی و همکاران (۱۳۹۳)، و کیلیان (۱۳۹۵)، نصری نصرآبادی و قاضی - نوری (۱۳۹۹)، کاظمیان و جلیلی (۱۳۹۴)، سجادی و همکاران (۱۳۹۷)، جواهری و جلالی (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

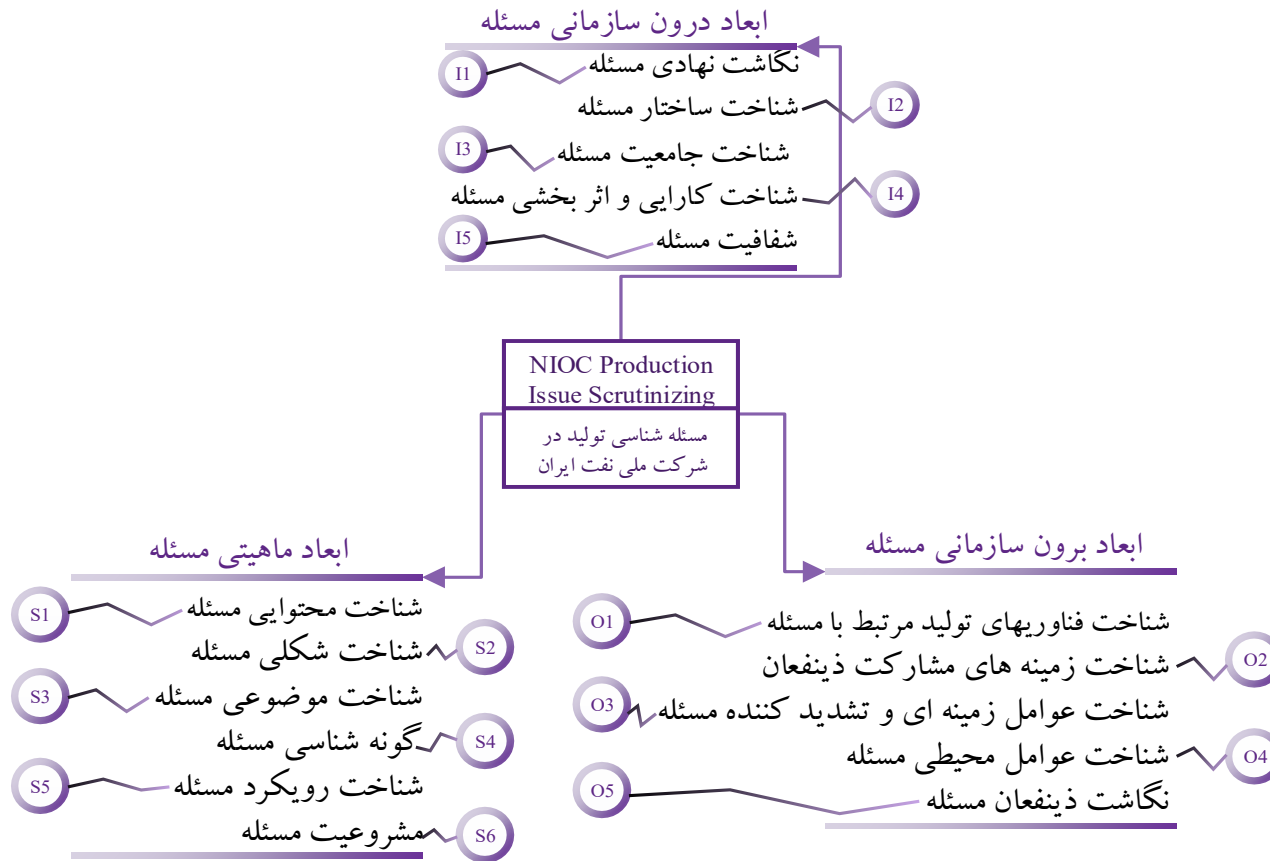
^۱ McFadden & Priest

^۲ Freeman

^۳ Balane

^۴ Mulyaningrum

^۵ Barkauskasa and Jasinskasc



مؤلفه اصلی	مؤلفه‌های فرعی
نگاشت نهادی مسئله (I ¹)	شناخت مکانیزم های پیوندیابی مسئله با بخش های مختلف، شناخت جنبه های تاثیر گذار/پذیر مسئله بر/از منابع انسانی، شناخت ضعف های نهادی مرتبط با مسئله، تبیین چارچوب نهادی مسئله، شناخت نقش و کارکرد نهادهای نظارتی، تشریک مساعی مدیران عالی، میانی و عملیاتی در فرایند شناخت مسئله، شناخت ارتباط نهادمتولی مسئله با کارکرد، زنجیره ارزش و سایر نهادها، نهادسازی جهت مدیریت کارا و اثربخش ارتباط زنجیره تامین و پژوهش، شناخت رابطه نهادی مسئله با دولت، شناخت مسائل سیاستی تولید نفت و گاز در بستر نهادی ملی مشترک، تفکیک نهادی شناخت مسائل سیاستی از مسائل فنی و عملیاتی، تبیین حقوق دسترسی و بهره مندی بازیگران مسئله، شناسایی متغیرهای موثر بر انتخاب های

<p>لایه‌های تاسیسی، تصمیم جمعی و عملیاتی، تبیین حقوق مالکیت (دسترسی، بهره‌مندی، مدیریت، انحصار و انتقال)، تبیین نظام تصمیم جمعی در خصوص مسئله، احصاء متغیرهای برون‌زا (شناخت قواعد مورد استفاده، شناخت ویژگی‌های فرهنگی و هنجارهای انسانی، شناسایی محدودیت‌های فیزیکی و طبیعی)، شناخت مسائل محیط اقتصادی مبتنی بر چارچوب تحلیل و توسعه نهادی، شناخت ذینفعان در الگوی توزیع مالکیت.</p>	
<p>تبیین نقشه نگاشت شناختی (علی، مفهومی و معنایی) مسئله، شناسایی شبکه دانشی (رسمی/غیر رسمی) مرتبط با مسئله، شناسایی ساختار مناسب برای تامین، برورسانی و دستیابی به دانش فنی، شناخت ساختار تامین مالی مسئله، ترسیم وضعیت مطلوب در ارتباط با مسئله، شناخت مسئولیت‌های مرتبط با مسئله، شناخت تغییرات ساختاری که در ارتباط با مسئله رخ خواهد داد، فرایندهای سازمانی، ساختارهای تشکیلاتی و حدود اختیارات مرتبط، شناسایی ساختار تحلیل ریسک مسئله، شناسایی ساختار اقتصادی مسئله، شناسایی ساختار نظام مدیریت مسئله در شرکت</p>	<p>شناخت ساختار مسئله (I۲)</p>
<p>مستندسازی مطالعات و اسناد طرح‌های جامع و کلان پیرامون مسئله، ارائه ارزیابی درست از وضعیت حاکم بر شرکت در بیان مسئله، شناخت بستر فرهنگی مسئله، پیش‌بینی روند مسئله بر اساس آینده‌نگری و سیاست‌گذاری انرژی، ظرفیت مسئله در استفاده از تجارب بین‌المللی، طراحی سناریوهای متفاوت در مورد مسئله و ورود آنها به یک مدل، شبیه‌سازی شرایط پیرامون مسئله و گردآوری نتایج، تطابق مسئله با ظرفیت‌های بازار در زمینه تنوع در عرضه انواع انرژی، شناسایی ظرفیت مسئله برای تسهیل حضور انرژی‌های جایگزین، شناخت ظرفیت‌های مسئله در بهره‌برداری مسئولانه از منابع، شناخت تعداد، توازن و عدم تعانس اقلام مورد نیاز مسئله، شناخت نقش مسئله در تامین شاخص‌های امنیت انرژی، تعیین نقش مسئله در شاخص‌های پایداری تامین انرژی، شناخت جنبه‌های مرتبط مسئله با بازارهای انرژی داخلی و خارجی، نقش مسئله در زنجیره انرژی، شناخت میزان تطابق مسئله با سیاست‌های کلان و پارادایم‌های سیاستی، شناخت پیامدهای کوتاه، میان و بلندمدت مسئله، شناخت ریسک‌های مرتبط با رویکرد دانش‌محور به مسئله، هم‌راستایی مسئله با افزایش توان تولید کنندگان داخلی و بومی‌سازی، هم‌راستایی مسئله با توسعه تکنولوژیک کشور، توجه مسئله به نیازها و افق‌های بلندمدت شرکت</p>	<p>شناخت جامعیت مسئله (I۳)</p>
<p>شناخت فاکتورهای کارآمدی مسئله، شناخت حد بهینه مشارکت ذینفعان در پیشینه‌سازی کارایی مسئله، شناخت جایگاه مسئله در ترسیم وضعیت مطلوب انرژی کشور، شناخت ظرفیت‌های مسئله در مدیریت ریسک، شناسایی ظرفیت‌های مسئله جهت انعطاف و تعدیل شرایط قراردادهای، شناخت جنبه‌های کارایی و اثر بخشی مسئله در ارتباط با توسعه پایدار، شناسایی زمینه‌های جذب سرمایه برای پابندی به تعهدات تولید، ظرفیت مسئله در جلوگیری از کاهش سطح استخراج و تولید سالیانه، نقش مسئله در تامین امنیت انرژی و کاهش تهدیدات (اقتصادی، سیاسی و...)، شناخت محرک‌های نوآوری در ارتباط با مسئله، شناخت ابزارهای لازم برای دستیابی به اهداف مسئله، شناسایی تسهیل‌گران برای رفع موانع و ارتقای کارایی مسئله، شناسایی مجموعه اختیارات قانونی لازم برای اثربخشی و کارایی مسئله، مهارت‌های مدیریتی مورد نیاز (ارتقاء کارایی و اثر بخشی مسئله)، ظرفیت‌های جذب تکنولوژی در داخل (ارتقاء کارایی و اثر بخشی مسئله)، شناخت ارتباط مسئله با فرایند انتقال اثربخش دانش، هماهنگی و هم‌راستایی مسئله با اهداف کسب و کار</p>	<p>شناخت کارایی و اثربخشی مسئله (I۴)</p>
<p>سازماندهی اطلاعات مرتبط با مسئله، ظرفیت مسئله در افزایش شفافیت از طریق کاهش پیچیدگی و افزایش ثبات، شفافیت در تولید اطلاعات مورد نیاز برای تبیین مسئله، شناخت محدودیت‌های انتشار اطلاعات مرتبط با مسئله، شفافیت در توجه به حقوق مصرف‌کنندگان در فرایند شناخت مسئله، توجه به شفافیت در گزارشات مالی در فرایند شناخت مسئله، شفافیت نقش‌ها در فرایند شناخت مسئله</p>	<p>شفافیت مسئله (I۵)</p>

<p>شناخت فناوری‌های تولید مرتبط با مسئله (O۱)</p>	<p>شناخت نوع تعامل مسئله با بومی سازی (وابستگی، نوسازی، جهانی شدن) شناسایی فناوری های تولید مرتبط با مسئله، شناخت رابطه مسئله و توسعه فناوری (تناسب، انطباق، توان و سطح فناوری)، شناسایی واسطه های انتشار و انتقال تکنولوژی، شناسایی ظرفیت پارک های علم و فناوری مرتبط با مسئله، شناسایی متولی هدایت توسعه تکنولوژی مرتبط با مسئله، ارتباط مراکز پژوهش، تحقیق و توسعه با پیمانکاران مرتبط با مسئله، برنامه ریزی بلند مدت در ارتباط با تحقیق و توسعه مرتبط با مسئله، شناسایی فرایندهای موازی و هم پوشان در حوزه تحقیق و توسعه، شناسایی خدمات تکنولوژیک قابل ارائه توسط تامین کنندگان بزرگ نفتی، شناسایی قابلیت های فنی و تکنولوژیک مرتبط با مسئله در سایر صنایع، شناخت پیچیدگی ها و نوآوری های تکنولوژیک مسئله، شناخت ظرفیت های مسئله در زمینه فروش خدمات فنی و پژوهشی، شناخت راه های انتقال تکنولوژی های مرتبط با مسئله، شناخت نیازهای تکنولوژیک مربوط به مسئله، نقش نهادی تکنولوژی نفت در سیاست گذاری های دولت، طراحی مسیر یادگیری فنی و سازمانی تکنولوژی، شناسایی توانمند سازهای تکنولوژیک، شناخت موانع نهادی و ساختاری توسعه تکنولوژیک، شناخت وابستگی های تکنولوژیک، شناخت سطح قابلیت های تکنولوژیک (بهره بردار، تعمیر و نگهداری، توسعه دهنده)، شناخت ظرفیت های صادرات تکنولوژی نفتی، بومی سازی تکنولوژی، ایجاد مزیت رقابتی پایدار، شناسایی فناوری های تولید مرتبط با مسئله</p>
<p>شناخت زمینه‌های مشارکت ذینفعان (O۲)</p>	<p>شناخت نیازها و انتظارات ذینفعان مسئله، وزن دهی و اولویت بندی ذینفعان مسئله، شناخت و گروه بندی ذینفعان مرتبط با مسئله، شناخت ظرفیت های مسئله در جلب و سازماندهی همکاری ذینفعان، شناسایی ظرفیت های مسئله در رفع موانع سرمایه گذاری و مشارکت، شناسایی ظرفیت های مسئله در جلب مشارکت عمومی مردم، ظرفیت مسئله در ایجاد قدرت چانه زنی سیاسی دولت در حوزه بین الملل، جلب مشارکت در شناخت ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی مسئله، شناسایی بازیگران بازار تکنولوژی مرتبط با مسئله، ظرفیت های مسئله در تشخیص نیازهای فنی مرتبط با شبکه تامین، ظرفیت مسئله در جلب مشارکت بنگاه های کوچک تکنولوژی محور (SME)، ظرفیت مسئله در توسعه خدمات (دانشی، فنی، عملیاتی) یکپارچه، شناخت ظرفیت مراکز تحقیقاتی مشابه برای هم افزایی در حل مسئله، شناخت ظرفیت های مسئله در ایجاد و توسعه شبکه تحقیقات و تجاری ساز، شناخت ظرفیت های مسئله در ایجاد و توسعه شبکه ارزش</p>
<p>شناخت عوامل زمینه‌ای و تشدیدکننده مسئله (O۳)</p>	<p>شناخت عوامل فرهنگی و رویکرد سیاستگذاری مربوطه، شناخت موانع زمینه ای (سیاسی، ساختاری، حقوقی) جذب سرمایه، شناخت تاثیر وضعیت ایران در جغرافیای سیاسی انرژی، شناخت تعارضات عوامل زمینه ای (اقتصاد، سیاست، محیط زیست)، شناخت ریسک های زمینه ای (عرضه، تقاضا، بازار، موقعیت سیاسی)، شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با مسئله (خودباوری، درونزایی)</p>
<p>شناخت عوامل محیطی مسئله (O۴)</p>	<p>شناخت تاثیر تحریم ها بر مسئله، تحلیل اثر میزان عرضه و تقاضای نفت در بازار جهانی، تحلیل اثر قیمت جهانی نفت، ظرفیت مسئله در حمایت از محیط زیست و پایداری آن، شناسایی اقتضانات محیط سیاسی و اجتماعی پیرامون مسئله، شناخت جنبه های آسیب گریز آینده ساز مسئله برای پیشگیری تهدیدات، شناخت جنبه های منفعت طلب آینده ساز مسئله برای فرصت سازی محیطی، شناخت جنبه های آسیب گریز آینده نگر مسئله برای گریز از آسیب تهدید، شناخت جنبه های منفعت طلب آینده نگر مسئله برای قوت سازی فرصت محور، شناخت جنبه های کاهنده ضعف ها و تهدیدات محیطی مرتبط با مسئله، شناخت جنبه های منفعت طلب و آسیب گریز مسئله بر اساس تحلیل محیطی، شناخت قوت ها، فرصت ها، ضعف ها و تهدیدات پیرامون مسئله، شناخت عوامل پیچیدگی و عدم اطمینان در شرایط محیطی مرتبط با مسئله، شناخت عوامل تجاری مرتبط با مسئله، شناخت عوامل حوزه اقتصاد بین الملل مرتبط با مسئله، شناخت عوامل اقتصادی در سطح ملی مرتبط با مسئله، شناخت عوامل امنیتی مرتبط با مسئله، شناخت عوامل سیاسی مرتبط با مسئله، شناخت برنامه های ملی حمایت صنعتی در ارتباط با مسئله</p>

<p>نگاشت ذینفعان مسئله (O^۵)</p>	<p>طراحی نظام مسئولیت‌های اجتماعی در فرایند شناخت مسئله، شناخت مهمترین بازیگران مسئله و نقش‌های آنها، شناخت جنبه‌های حاکمیتی مسئله، شناخت نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مسئله، شناسایی ظرفیت مسئله در ارتباط با مسئولیت‌های اجتماعی شرکت (CSR)، شناسایی نقش سازمان‌های بین‌المللی انرژی در مسئله، شناسایی ظرفیت‌های قانونی برای نظارت بر تعهدات ذینفعان، شناخت ذینفعانی که در ارتباط با مسئله منافعیان به خطر افتاده، تعیین میزان پابندی ذینفعان به تعهدات مرتبط با مسئله، شناخت دلایل تسلط و قدرت مداخله بازیگران ناکارآمد در مسئله، شناخت بازیگران ناکارآمد در فرایند شناخت مسئله، شناخت ظرفیت مسئله در مشارکت و جلب سرمایه در حوزه‌های مشترک، ظرفیت مسئله در ایجاد همکاری میان تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی، شناخت ظرفیتهای مسئله در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای دولت، شناسایی پاسخ‌ها به تقاضاهای بازیگران مرتبط با مسئله، شناخت عوامل ایجاد توازن بین بازیگران مسئله، شناخت ائتلاف‌های مدافع، بده‌بستانها و متقاعدسازیهای پیرامون مسئله، شناخت بازیگران غیر رسمی مسئله مانند افکار عمومی و گروه‌های فشار</p>
<p>شناخت محتوایی مسئله (S^۱)</p>	<p>شناخت رژیم مالی مسئله، تحلیل محتوای مسئله و اهداف اصلی قرار دادن آن در دستور کار، شناسایی هزینه‌های مبادلاتی و راه‌های کاهش آنها در ارتباط با مسئله، شناخت وابستگی‌های تکنولوژیک مسئله به فناوری‌های وارداتی، شناخت ظرفیت مسئله در جذب سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید انرژی، میزان سرمایه‌گذاری داخلی/خارجی مورد نیاز برای رسیدگی به مسئله، شناخت جنبه‌های منطقی و متعارض مسئله با ارزش‌های جامعه هدف، شناخت خدمات کنترل/مدیریت پروژه‌های مرتبط با مسئله جهت شبکه ارزش، شناخت خدمات بهره‌برداري مرتبط با مسئله جهت طراحی شبکه ارزش، طراحی یکپارچه فعالیت‌های مرتبط با مسئله جهت طراحی شبکه ارزش، شناخت خدمات پشتیبانی مرتبط با مسئله جهت طراحی شبکه ارزش، شناخت خدمات مالی مرتبط با مسئله جهت طراحی شبکه ارزش، شناخت خدمات فنی/مهندسی مرتبط با مسئله جهت طراحی شبکه ارزش، شناخت محتوای دانشی مسئله جهت تسهیم و انتقال دانش، شناخت ارکان هماهنگ‌کننده مسئله،</p>
<p>شناخت شکلی مسئله (S^۲)</p>	<p>شناخت چشم‌انداز، راه‌برد، شیوه اجرا و ارزیابی مسئله، شناسایی ابزار اجرای استراتژی‌های مرتبط با مسئله، ارزیابی تاریخی مسئله، شناخت اولویت‌های سیاستی مرتبط با مسئله، تعریف چارچوب نهادی مسئله، شناخت استراتژی برای دستیابی به اهداف مسئله، شناخت اهدافی که طراح مسئله دنبال می‌کند، شناخت پژوهش‌های توسعه‌ای مورد نیاز مسئله، بازتعریف مسئله در قالب مفاهیم توسعه‌یابنده، شناسایی و پژوهش پیرامون تجارب مرتبط با مسئله، شناسایی انتزاعات کلی و صورت‌بندی‌های تئوریک در مورد مسئله</p>
<p>شناخت موضوعی مسئله (S^۳)</p>	<p>شناخت ارتباط مسئله با سیاست‌های خصوصی سازی و اولویت‌های آنها، شناخت تاثیر مسئله بر تسهیل مبادلات پولی، بیمه‌ای و عضویت در مجامع جهانی، شناخت ظرفیت مسئله در مقابله با فساد اداری، شناخت تاثیر مسئله بر ارتقاء توان فنی و تخصصی سرمایه‌های انسانی، شناخت مسئله بر اساس الگوهای مبتنی بر نرخ مطلوبیت (Erasmus, Midas, ...)، شناخت مسئله بر اساس الگوهای جغرافیایی (جهانی-منطقه‌ای-ملی-محلی)، شناخت مسئله بر اساس تعریف تابع هدف، معادلات قید و الگوی بهینه، شناخت مسئله بر اساس معادلات رفتاری عوامل مرتبط، شناخت مسئله بر اساس داده‌های تاریخی، بدیل‌های فناورانه در تولید بهینه محصول، تاثیر مسئله بر چالش ائتلاف انرژی، تاثیر مسئله بر میزان تقاضای انرژی، ارتباط مسئله با قوانین، بخش‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولتی</p>
<p>گونه‌شناسی مسئله (S^۴)</p>	<p>شناخت شیوه تعریف مسئله (خردگرایی یا اقتدار)، شناخت منابع قدرت (تخصص، اطلاعات، ارتباطات، شایستگی)، شناخت نوع مسئله در ارتباط با روابط قدرت در سازمان، شناسایی مرجعیت تشخیص، ارزیابی و تعریف مسئله، شناخت عوامل، واقعیت‌ها و روابط بین آنها که منجر به شکل‌گیری مسئله شده، شناخت حلقه‌های علی-معلولی پیرامون مسئله، ترسیم مدل شناخت مسئله بر اساس الگوی تصمیم‌گیری، ترسیم مدل شناخت مسئله بر اساس الگوی تصمیم‌گیری، بررسی انطباق مسئله با مدل تصمیم‌گیری اجتماعی، تصمیم</p>

<p>گیری بحرانی، جزئی تدریجی یا عقلایی جامع، شناسایی جنبه‌های پویای مسئله در شرایط غیر واضح و کمبود اطلاعات، شناخت جنبه‌های اقتضایی مسئله تحت شرایط مغشوش، بحرانی و غیر قطعی، شناخت بدیل‌های مختلف مسئله بر مبنای سناریوهای مختلف، شناسایی زمینه‌های ایجاد رقابت و حذف انحصار مرتبط با مسئله</p>	
<p>شناخت رویکرد مسئله (S۵)</p> <p>شناخت رویکرد مسئله به اصل کاهش خام فروشی منابع، شناخت میزان تطابق مسئله با رویکرد سیاست‌گذاران (کلان و بخشی)، شناخت رویکرد مسئله به عدم قطعیتها (سطح تولید و تقاضا، تحریم، فناوری)، شناخت رویکرد مسئله در بهره‌مندی از نیروهای پیشران (سرمایه، مدیریت، فناوری)، شناخت رویکرد مسئله به سیر تحولات متغیرهای سیاست‌گذاری (پویا/ایستا)، شناسایی ظرفیت مسئله در ایجاد وابستگی متقابل با سرمایه‌گذاران، شناخت رویکرد مسئله در مورد معیار ساخت یا خرید (کالا/خدمات)، شناخت رویکرد مسئله در مدیریت بهینه منابع شرکت، شناخت رویکرد مسئله به عدالت اجتماعی (بهره‌مندی عمومی/توسعه زیربنایی)، شناخت رویکرد مسئله به جنبه‌های اقتصادی مسئله (رقابتی-انحصاری)، شناخت رویکرد مسئله به تولید صیانتی از مخازن و منابع تجدید ناپذیر، شناخت رویکرد مسئله به پارانه‌های انرژی، شناخت رویکرد مسئله به اصلاح الگوی مصرف انرژی، شناسایی ظرفیت‌های استفاده بهینه از محصول با ارزش افزوده بالاتر، شناخت رویکرد مسئله در زمینه عرضه قابل اعتماد انواع انرژی در کشور، شناخت رویکرد مسئله در بهینه‌سازی مصرف و کاهش شدت انرژی، شناخت رویکرد مسئله در بهره‌برداری از مخازن مشترک با همسایگان، شناخت رویکرد مسئله در مواجهه با تغییرات اقلیمی، شناخت رویکرد مسئله در تعدیل مصرف حامل‌های انرژی در داخل کشور، شناخت رویکرد مسئله در برخورد عادلانه با مصرف‌کنندگان و بنگاه‌های آسیب‌پذیر، شناخت ظرفیت ایجاد تنوع در ابعاد مسئله برای پیشبرد نوآوری در فناوری، شناخت نوع رویکرد دولت به مسئله (سلبی یا ایجابی)، شناخت جنبه‌هایی از مسئله که تحت تاثیر عامل قدرت می‌باشند، شناخت جنبه‌های عقلایی و منطقی مسئله، شناخت رویکرد مسئله در مقوله تامین امنیت انرژی، شناخت رویکرد مسئله در تعدیل روابط بین‌المللی، شناخت نقش مسئله در نهادینه‌سازی رقابت شرکت‌های داخلی در صنعت نفت، شناخت نقش مسئله در بومی‌سازی توسعه میادین نفتی، شناخت نقش مسئله در سیاست تامین عمومی (رفع وابستگی به خارج)، شناخت ظرفیت مسئله در توسعه واسطه‌های حرفه‌ای انتقال دانش، شناخت ظرفیت مسئله در توسعه بنگاه‌های کوچک تکنولوژی محور، شناخت مشوق‌های دولتی در رویکرد توسعه‌ای به مسئله، شناخت ظرفیت‌های مسئله برای ورود به فرایند یادگیری فعال، شناخت رویکرد نهادی مسئله (تولید گرا - توسعه گرا)، شناخت زمینه‌های پژوهشی و دانش بنیان مسئله، شناخت رویکرد دولت در تفسیر مسئله سیاستی</p>	
<p>شناخت مشروعیت مسئله (S۶)</p> <p>شناخت میزان مشارکت ذینفعان در فرایند شناخت و بیان مسئله، شناخت ابزارهای قانونی برای نظارت و اجرای سیاست‌ها، ارائه ارزیابی حقوقی مسئله (قوانین داخلی، بین‌المللی و استانداردی)، شناسایی جنبه‌های حقوقی مسئله در اتخاذ بهترین شیوه سرمایه‌گذاری، شناسایی موانع حقوقی مسئله در ارتباط با جذب سرمایه، همگن سازی مسئله با تعهدات قانونی ملی و بین‌المللی، شناسایی مداخله‌های غیر رقابتی و انحصاری در ارتباط با مسئله، شناسایی موارد تعارض مسئله با قوانین و مقررات ملی و سازمانی، شناخت اقدامات برای تفسیر، تصویب، اجرا و اعمال قوانین مرتبط مسئله، شناخت اقتدار سیاسی برای جلب مشروعیت مسئله، شناسایی شاخص‌های مورد نظر نهادهای نظارتی مرتبط با مسئله</p>	

شکل ۷- نقشه‌ی شناختی چارچوب مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران

۵-۵- پیشنهادات

باید توجه داشت که به دلیل گستردگی ذاتی موضوع مسئله‌شناسی سیاستی و محدودیت‌های ورود به مقولات سیاستی در صنعت نفت ایران و محرمانگی بسیاری از حوزه‌ها و شرایط تحریمی و همچنین وجود محدودیت زمانی در این پژوهش، به بررسی و مطالعه‌ی محورهای کلی مسئله‌شناسی تولید پرداخته شده است. لذا برای تحقیقات آتی، طراحی مدل جامع عملیاتی مسئله‌شناسی با هدف اصلاح الگوهای رایج سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی که مسئله‌شناسی را به عنوان یکی از زیر فرایندهای جزئی در فرایند تدوین سیاست و خط‌مشی در نظر می‌گیرند، ایجاد ساختارهای سازمانی برای شناخت و تحلیل مسائل سیاستی، ایجاد ساختارهای سازمانی برای تحلیل بازخورد به ویژه در حوزه‌های تجاری جهت پایش مستمر تغییرات ماهیتی پیشنهاد می‌گردد. لذا به سیاست‌گذاران تولید در شرکت ملی نفت ایران پیشنهاد می‌گردد موارد را به عنوان راهبردهای مسئله‌شناسی سیاستی در نظر داشته باشند:

- نهادها و ساختارهای مناسب برای شناخت مسائل سیاستی ایجاد گردد.
- شناخت مسائل به صورت جامع، کارا و اثربخش و در فرایندی شفاف مبتنی بر به‌روزترین فناوری‌ها انجام شود.
- زمینه‌های مشارکت ذینفعان برآورد گردیده و از این ظرفیت برای بالا بردن احتمال موفقیت سیاست‌ها استفاده شود.
- شناسایی عوامل محیطی تاثیر گذار/پذیر مسئله و شناسایی ماهیت و نقش ذینفعان مسئله به خوبی انجام و ارزیابی گردد.
- شناخت محتوا، شکل، نوع، موضوع و رویکرد مسئله جهت افزایش احتمال موفقیت سیاست انجام گردد.
- با توجه به نقش کسب مشروعیت در کنترل آثار جانبی مسائل سیاستی لازم است این مهم در مرحله شناخت مسئله مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع

- احمدیان دیوکتی، محمد مهدی، آقاجانی، حسنعلی. شیرخدایی، میثم. طهرانچیان، امیرمنصور. (۱۳۹۷). طراحی مدل سیاستگذاری علم و فناوری مبتنی بر رویکرد پیچیدگی اقتصادی. سیاستگذاری عمومی ۶۹۷۱۵. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/ppolicy.۶۹۷۱۵, ۹-۲۷, ۴(۴), آرمان فر محمد، مکوندی فؤاد، کراهی مقدم سیروس، همتی محمد. (۱۴۰۲). مؤلفه‌های مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران. فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی. ۱۴۰۲؛ ۹(۴): ۱۲۷-۱۴۷.
- اشرفی، رقیه. محمدی، نبی‌اله. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل موثر بر مشارکت مدیران در شکل‌گیری خط‌مشی (مطالعه موردی: شهرداری زنجان). <https://civilica.com/doc/۱۸۴۲۰۹۰>
- اصلی‌پور و خان‌محمدی. (۱۴۰۰). تحلیل بر عوامل موثر بر خط‌مشی پژوهی مبتنی بر رویکرد مدل‌سازی ساختاری تفسیر. مدیریت سازمان‌های دولتی. ۲(۳۴). صص ۷۲-۶۱.
- بنی‌هاشمی، میر قاسم. (۱۴۰۱). فراترکیب تحلیل ساختاری نظام مسائل استان‌های ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۵(۳)، ۸۵-۱۲۴.
- بهامین، ماجد. جندقی، میرزمانی. آذر، عادل. خوش‌چهره. (۱۳۹۸). طراحی الگوی ارتقاء شفافیت اقتصادی در ایران. سیاستگذاری عمومی، ۴(۶)، ۱۵۰-۱۳۳.
- پورکیانی و همکاران. (۱۳۹۳). تبیین موانع اجرای خط‌مشی با استفاده از بحث متمرکز گروهی (مورد مطالعه: قانون مدیریت خدمات کشوری). مدیریت سازمان‌های دولتی. ۹(۷-۲۴).
- تقی، فاطمه. عباسی، کلثوم. کشتگاری، احسان. (۱۳۹۳). طراحی چارچوب شناسایی و اولویت‌بندی ذینفعان مبتنی بر روش فراتلفیق. مدیریت فردا. ۱۳(۳۹).
- جواهری صفری، شالی. مهدوی‌کنده، داود. (۱۳۹۹). تحلیل جامعیت سیاست‌گذاری سلامت در قوانین برنامه‌های توسعه ایران. دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران. ۸۷-۶۳، ۱(۱)، جواهری، فاطمه. جلالی، سید یاسر. (۱۴۰۰). ناسازه‌های سیاستگذاری فرهنگی در ایران، پیشنهاد یک مدل مطالعاتی. مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۲(۵۳) (مسلسل ۸۵)، ۲۰۱-۲۲۲. <https://sid.ir/paper/fa۴۱۴۹۹۰SID>
- حاجبانی ابراهیم. (۲۰۲۱). ارزیابی راهبردی فرایند سیاست‌گذاری مواجهه با مسائل اجتماعی در ایران.
- حسن‌زاده، محمد. سازمند، بهاره. (۱۴۰۱). الگوی مشروعیت سیاسی و شکل‌گیری امنیت دفاعی مردمی در جمهوری اسلامی ایران. سیاست دفاعی، ۱۱۸(۳۱)، ۲۳۱-۱۹۹.
- حسینی، سید عباس. (۱۳۹۶). ظرفیت‌ها و دلالت‌های نظریه فرهنگی برگر در عرصه سیاستگذاری فرهنگی. سیاست‌نامه علم و فناوری، ۲(۲)، ۵۴-۴۵.
- حق‌شناس، محمدجواد. (۱۳۹۷). فرآیند سیاسی سیاستگذاری: رویکردی عمل‌گرایانه به سیاستگذاری عمومی. سیاستگذاری عمومی، ۲(۲)، ۲۰۹-۲۲۰. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/ppolicy.۶۹۷۱۵
- خواستار، حمزه. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی در زمینه علم و فن‌آوری برای تحقق اهداف چشم‌انداز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- دانایی فرد، حسن. عطاردی، محمدرضا. زالی، سلمان. (۱۳۹۷). فرامطالعه‌ای بر چارچوب‌های انتخاب ابزارهای خط‌مشی عمومی. دو فصلنامه توسعه علوم انسانی ۱۸۲۱۶۰، ۲۰۱۹، ۱۸۲-۱۶۷. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/hsd.۲۰۱۹, ۱۰۱-۱۲۴, ۱(۱), درودیان. خلیج‌معصومی، امیرحسین. خیری، عیسی. (۱۴۰۲). راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای شفافیت و مبارزه با فساد با رویکرد جامعه‌شناختی. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۴(۱۶)، ۲۶-۹.

هداوند، مرضیه. فاتح راد، مهدی. طباطبائیان، سید حبیب الله. (۱۳۹۵). تحلیل فرایند سیاست‌گذاری در نظام ملی نوآوری ایران با استفاده از چارچوب نگاشت نهادی. *سیاست‌های راهبردی و کلان*. ۱۶(۴): ۱-۱۸.

وکیلیان، حسن. (۱۳۹۵). بررسی نقش و نحوه تأثیر گروه‌های ذینفع در سیاست‌گذاری برای فضای کسب‌وکار. *دانشنامه حقوق اقتصادی* (۸): ۶۸-۹۶.

Aligica, P.D. (۲۰۰۶). Institutional and Stakeholder Mapping: Frameworks for Policy Analysis and Institutional Change. *Public Organiz Rev* ۶, ۷۹-۹۰. <https://doi.org/10.1007/s11110-006-6833-0>.

Aligica, P.D. (۲۰۰۶). Institutional and Stakeholder Mapping: Frameworks for Policy Analysis and Institutional Change. *Public Organiz Rev* ۶, ۷۹-۹۰. <https://doi.org/10.1007/s11110-006-6833-0>.

Bache, I. (۲۰۲۰). Evidence in the Policy Stream: The Multiple Streams Approach. ۱۰, ۱۰۰۷/۹۷۸-۳-۰۳۰-۲۱۳۷۶-۳_۵.

Balane, M.A. Palafox, B. Palileo-Villanueva, L.M. McKee, M. Balabanova, D. (۲۰۲۰). Enhancing the use of stakeholder analysis for policy implementation research: towards a novel framing and operationalised measures. *BMJ Glob Health*. ۵(۱۱).

Barkauskas, V. Barkauskienė, K. Jasinskas E. (۲۰۱۵). Analysis of Macro Environmental Factors Influencing the Development of Rural Tourism: Lithuanian Case, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume ۲۱۳, P. ۱۶۷-۱۷۲, <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.421>.

Barkauskas, V. Barkauskienė, K. Jasinskas E. (۲۰۱۵). Analysis of Macro Environmental Factors Influencing the Development of Rural Tourism: Lithuanian Case, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume ۲۱۳, P. ۱۶۷-۱۷۲, <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.421>.

Beattie, G. (۲۰۲۰). Advertising and media capture: The case of climate change. *Journal of Public Economics*. Vol. ۱۸۸.

Beyer, D. et al. (۲۰۲۲). Punctuated Equilibrium and the Comparative Study of Policy Agendas. *Polit Vierteljahresschr* ۶۳, ۲۷۵-۲۹۴. <https://doi.org/10.1007/s11610-022-00400-y>

Blum, S. Kuhlmann, J. (۲۰۱۹). Stories of how to give or take – towards a typology of social policy reform narratives, *Policy and Society*. ۳۸ (۳): ۳۳۹-۳۵۵. <https://doi.org/10.1080/14494035.2019.1657607>

Bodnieks, V. (۲۰۲۰). The New Institutionalism: A tool for analysing defence and security institutions. *Security and Defence Quarterly*, ۳۲(۵), ۸۳-۹۴. <https://doi.org/10.35467/sdq/130903>

Bond, G. R. (۲۰۱۸). Evidence-based policy strategies: A typology. Wiley: Online Library, Volume ۲۵, Issue ۴.

Browne, J. Coffey, B. Cook, K. Meiklejohn, S., Palermo, C. (۲۰۱۹). A guide to policy analysis as a research method. *Health Promot Int*. ۱;۳۴(۵):۱۰۳۲-۱۰۴۴. doi: ۱۰.۱۰۹۳/heapro/day۰۵۲.

Browne, J. Coffey, B. Cook, K. Meiklejohn, S., Palermo, C. (۲۰۱۹). A guide to policy analysis as a research method. *Health Promot Int*. ۱;۳۴(۵):۱۰۳۲-۱۰۴۴. doi: ۱۰.۱۰۹۳/heapro/day۰۵۲

Buchanan, D.R., Miller, F.G., & Wallerstein, N. (۲۰۰۷). Ethical Issues in Community-Based Participatory Research: Balancing Rigorous Research with Community Participation in Community Intervention Studies. *Progress in Community Health Partnerships: Research, Education, and Action* ۱(۲), ۱۵۳-۱۶۰. <https://doi.org/10.1303/cpr.2007.0006>.

Bulmer, M., Coates, E., & Dominian, L. (۲۰۰۷). “Five: Evidence-based policy making”. In *Making policy in theory and practice*. Bristol, UK: Policy Press.

Bulmer, S. George, S. Parker, O. Bache, I. (۲۰۱۵). Politics in the European Union. The new European Union series. Oxford University Press.

Clarence, E. (۲۰۰۲). Technocracy Reinvented: The New Evidence Based Policy Movement. *Public Policy and Administration*, ۱۷(۳), ۱-۱۱.

Douglas, Adam. Et al. (۲۰۲۲). Advocacy Coalition Framework. ۹۷۸۱۰۰۳۲۶۹۰۸۳-۵/۱۰.۴۳۲۴

ELO, S., & Kyngas, H. (۲۰۰۷). The qualitative content analysis process. Wiley Online Library. V. ۶۲, P. ۱۰۷-۱۱۵

Faris, C. W., Robinson, P. J., Wind, Y. (۱۹۶۷). Industrial Buying and Creative Marketing. Allyn & Bacon .

Faris, C. W., Robinson, P. J., Wind, Y. (۱۹۶۷). Industrial Buying and Creative Marketing. Allyn & Bacon.

Freeman, R. E. (۱۹۸۴). Strategic management: a stakeholder approach. Pitman, Boston.

Giacchino, S., & Kakabadse, A. (۲۰۰۳). Successful Policy Implementation: The Route to Building Self-Confident Government. International Review of Administrative Sciences, ۶۹

Gibbons, M., Limoges, C., Nowotny, H., Schwartzman, S., & Scott, T. ua (۱۹۹۴): The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies.

Gray, Earle. (۲۰۰۸). Ontario's Petroleum Legacy: The Birth, Evolution and Challenges of a Global Industry Edmonton. Heritage Community Foundation.

Gregory, A. J. Atkins, J. P. Midgley, G. Hodgson, A. M. (۲۰۲۰). Stakeholder identification and engagement in problem structuring interventions, European Journal of Operational Research, Volume ۲۸۳, Issue ۱.

Hardy, R.J. E. Rollason, L.J. Bracken, A.R.G. Large. (۲۰۱۸). Evaluating the success of public participation in integrated catchment management. Journal of Environmental Management. ۲۲۸ (۲۶۷-۲۷۸)

Hester, P. H. (۲۰۱۵). Analyzing Stakeholders Using Fuzzy Cognitive Mapping, Procedia Computer Science, Volume ۶۱.

Hoefler R. (۲۰۲۲). The Multiple Streams Framework: Understanding and Applying the Problems, Policies, and Politics Approach. J of Pol Practice & Research.;۳(۱):۱-۵.

Hoefler, R. (۲۰۲۲). Institutionalism as a Theory for Understanding Policy Creation: an Underused Resource. J of Pol Practice & Research.;۳(۲):۷۱-۶. doi: ۱۰,۱۰۰۷/s۴۲۹۷۲-۰۲۲-۰۰۰۵۹-۰.

Hoornebeck, J. A. Peters, B. G. (۲۰۱۷) Understanding policy problems: a refinement of past work, Policy and Society, ۳۶:۳, ۳۶۵-۳۸۴, DOI: ۱۰,۱۰۸۰/۱۴۴۹۴۰۳۵,۲۰۱۷,۱۳۶۱۶۳۱

Hoornebeck, J. A. Peters, B. G. (۲۰۱۷) Understanding policy problems: a refinement of past work, Policy and Society, ۳۶:۳, ۳۶۵-۳۸۴, DOI: ۱۰,۱۰۸۰/۱۴۴۹۴۰۳۵,۲۰۱۷,۱۳۶۱۶۳۱

Jenkins-Smith, H. C. et al. (۲۰۱۸). The Advocacy Coalition Framework: An Overview of the Research Program. Taylor & Francis Group. ISBN: ۹۷۸۰۴۲۹۴۹۴۲۸۴

JEWELL, C.J., & BERO, L.A. (۲۰۰۸), "Developing Good Taste in Evidence": Facilitators of and Hindrances to Evidence-Informed Health Policymaking in State Government. The Milbank Quarterly, ۸۶: ۱۷۷-۲۰۸.

Johann Höchtel, Peter Parycek & Ralph Schöllhammer (۲۰۱۶) Big data in the policy cycle: Policy decision making in the digital era, Journal of Organizational Computing and Electronic Commerce, ۲۶:۱-۲, ۱۴۷-۱۶۹, DOI: ۱۰,۱۰۸۰/۱۰۹۱۹۳۹۲,۲۰۱۵,۱۱۲۵۱۸۷

Johannesson, L. Qvist, M. (۲۰۲۰). Navigating the policy stream: Contested solutions and organizational strategies of policy entrepreneurship. International Review of Public Policy. ۲:۱. ۵-۲۳.

Katarzyna, S. Bogacz, P. (۲۰۲۲). A Method for Stakeholder Mapping in Connection with the Implementation of a Development Project. Energies ۱۵, no. ۴: ۱۵۹۲. <https://doi.org/۱۰,۳۳۹۰/en۱۵۰۴۱۵۹۲>

Laboutková, Š., Vymětal, P. (۲۰۱۷). Transparency in economic and political decision-making: the identification of sunshine rules for transparent lobbying, DANUBE: Law and Economics Review, ۸(۳), ۱۵۷-۱۷۱, DOI: ۱۰,۱۵۱۵/danb-۲۰۱۷-۰۰۱۱

Landro, M. et al. (۲۰۲۰). Avalanche decision-making frameworks: Classification and description of underlying factors, Cold Regions Science and Technology, Volume ۱۶۹.

Lauth, H. J. (۲۰۱۶). The internal relationships of the dimensions of democracy: The relevance of trade-offs for measuring the quality of democracy. International Political Science Review, ۳۷(۵), ۶۰۶-۶۱۷.

- Lauth, H. J.** (۲۰۱۶). The internal relationships of the dimensions of democracy: The relevance of trade-offs for measuring the quality of democracy. *International Political Science Review*, ۳۷(۵), ۶۰۶-۶۱۷.
- Lenkova, O.V.** (۲۰۱۷). Risk management of oil and gas company in terms of strategic transformations. *Revistaespacios*. Vol. ۱۸, P. ۳۰.
- Longo, J. McNutt, K.** (۲۰۱۸). "Eighteen: From policy analysis to policy analytics". In *Policy Analysis in Canada*. Bristol, UK: Policy Press. Retrieved Mar ۲۷, ۲۰۲۴, from <https://doi.org/10.51902/9781447334927.ch.18>
- M. C. Willemsen**, (۲۰۱۸). Tobacco Control Policy in the Netherlands, *Palgrave Studies in Public Health Policy Research*, https://doi.org/10.1007/978-3-319-72368-6_10
- Makarychev, A. Diez, T.** (۲۰۲۳). Introduction: Political Logics and Academic Rationalities of Securitisation and International Crises. *Central European Journal of International and Security Studies*. ۱۷(۲). ۴-۲۰.
- Markard, J. Suter, M. Ingold, K.** (۲۰۱۶). Socio-technical transitions and policy change—Advocacy coalitions in Swiss energy policy. *Environmental Innovation and Societal Transitions*. (۱۸) ۲۱۵-۲۳۷.
- Massey, A., Wallace, W.** (۱۹۹۶). Understanding and facilitating group problem structuring and formulation: mental representations, interaction, and representation aids.
- Matti, S., Sandström, A.** (۲۰۱۱). The Rationale Determining Advocacy Coalitions: Examining Coordination Networks and Corresponding Beliefs. <https://onlinelibrary.wiley.com>. ۳۹(۳). ۳۸۵-۴۱۰
- McFadden, L. and Priest, S.** (۲۰۱۱) Guidance for identifying the Policy Issue, Spicosa Project Report, London, Flood Hazard Research Centre, Middlesex University.
- McFadden, L. Priest, S. J. Green, C.** (۲۰۱۱). Introducing Institutional Mapping: A Guide for SPICOSA Scientists. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:۵۱۴۶۸۸۶>
- McFadden, L. Priest, S. J. Green, C.** (۲۰۱۱). Introducing Institutional Mapping: A Guide for SPICOSA Scientists. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:۵۱۴۶۸۸۶>
- Metz, F. Lieberherr, E. Schmucki, A. Huber, R.** (۲۰۲۱). Policy Change Through Negotiated Agreements: The Case of Greening Swiss Agricultural Policy. Wiley: Online Library. ۴۹(۳), ۷۳۱-۷۵۶
- Michaud G.** (۲۰۱۹). Punctuating the equilibrium: A lens to understand energy and environmental policy changes. *Int J Energy Res*. ۴۳: ۳۰۵۳-۳۰۵۷. <https://doi.org/10.1002/er.۴۴۶۴>
- Milovanovitch, Mihaylo.** (۲۰۱۸). Guide to Policy Analysis. ETF expert. © European Training Foundation. doi:10.28116/6.61۰
- Mulyaningrum, Kartodihardjo, H. Suratijaya, I. Nugroho, B.** (۲۰۱۳). Stakeholders Analysis of Policy-Making Process: The Case of Timber Legality Policy on Private Forest. *Jurnal Manajemen Hutan Tropika* (Journal of Tropical Forest Management).
- Nohrstedt, D. Heinmiller, T.** (۲۰۲۴). Advocacy coalitions as political organizations. *Policy and Society*. ۱۰, ۱۰۹۳/polsoc/puae.۰۰۵.
- Ohno, T.** (۲۰۲۲). Advocacy Coalition Framework in Environmental Governance Studies: Explaining Major Policy Change for A Large Dam Removal in Japan. *International Review of Public Policy* [Online]. ۴:۱. ۰۰۰: ۰۰۰۰://۰۰۰۰۰۰۰۰.۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰.۰۰۰/۰۰۰۰/۲۳۶۲
- Parsons, W.** (۱۹۹۵). *Public Policy: An Introduction to the Theory and Practice of Policy Analysis*. Edward Elgar Publishing Ltd. <https://www.e-elgar.com/shop/gbp/public-policy-9781802780043.html>
- Peters, B. G., & Hoornbeek, J. A.** (۲۰۰۵). The problem of policy problems. McGill-Queens University Press.
- Rasmussen, A. Reher, S.** (۲۰۲۳). Interest Group Involvement and the Legitimacy of Policy Making. *British Journal of Political Science*. ۵۳(۱): ۴۵-۶۴. doi: 10.1017/S.۰۰۰۷۱۲۳۴۲۲۰۰۰۲۴۲
- Sanderson, I.** (۲۰۰۲). Evaluation, policy learning and evidence-based policy making. *Public Administration*, ۸۰(۱). P۱۲
- Scott, J.** (۱۹۹۱) *Social Network Analysis: A Handbook*. *Contemporary Sociology*, ۲۲, ۱۲۸. <https://doi.org/10.2307/2070047>

Selman, P. (۲۰۰۰). *Environmental Planning*, Second Edition, London, UK: Sage Publications Ltd., doi:۱۰.۱۰۱۷/S۰۳۷۶۸۹۲۹۰۱۲۱۰۴۰۶

Smith, V. (۲۰۲۳). Applying the Multiple Streams Framework in Westminster systems: A comparative case study of pay-for-performance policymaking in primary health care in England and New Zealand. *International Review of Public Policy*, ۵:۱ | ۲۰۲۳, ۴۴-۶۳

Sterck, M. & Scheers, B. & Bouckaert, G. (۲۰۰۶). "Lessons from Australian and British Reforms in Results oriented Financial Management," *OECD Journal on Budgeting*, OECD Publishing, vol. ۵(۲), ۱۳۳-۱۶۲.

Sterck, M. Scheers, B. Bouckaert, G. (۲۰۰۶). "Lessons from Australian and British Reforms in Results oriented Financial Management," *OECD Journal on Budgeting*, OECD Publishing, vol. ۵(۲), ۱۳۳-۱۶۲.

Steuer, Fabian. (۲۰۱۸). Machine learning for public policy making: how to use data-driven predictive modeling for the social good. <http://hdl.handle.net/۱۰۲۳۰/۴۳۴۸۸>

Timothy, T. Gregory, P. (۲۰۰۷). ۲,۲,۲ Using Stakeholder Analysis to Define the Problem in Systems Engineering. *INCOSE International Symposium*. ۱۷. ۲۹۶-۳۰۹. ۱۰.۱۰۰۲/j.۲۳۳۴-۵۸۳۷.۲۰۰۷. tb۰۲۸۷۶. x.

van den Berg, C. (۲۰۱۷). Dynamics in the Dutch policy advisory system: externalization, politicization and the legacy of pillarization. *Policy Sci* ۵۰, ۶۳-۸۴ <https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/s۱۱۰۷۷-۰۱۶-۹۲۵۷-x>

Verweij, P. et Al. (۲۰۱۶). QUICKScan as a quick and participatory methodology for problem identification and scoping in policy processes. *Environmental Science & Policy*. (۶۶)۴۷-۶۱.

Verweij, P. et Al. (۲۰۱۶). QUICKScan as a quick and participatory methodology for problem identification and scoping in policy processes. *Environmental Science & Policy*. (۶۶)۴۷-۶۱.

Wasserman, S., & Faust, K. (۱۹۹۴). *Social network analysis: Methods and applications*. Cambridge University Press. <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۷/CBO۹۷۸۰۵۱۱۸۱۵۴۷۸>

Webber, M. (۱۹۷۳). *Planning in an Environment of Change*. J.B. Culling Worth Ed, London .

Webster, J., & Watson, R. T. (۲۰۰۲). Analyzing the Past to Prepare for the Future: Writing a Literature Review. *MIS Quarterly*, ۲۶(۲), xiii-xxiii. <http://www.jstor.org/stable/۴۱۳۲۳۱۹>

Wenzelburger, G. Hartmann, K. (۲۰۲۱). Policy formation, termination and the multiple streams framework: the case of introducing and abolishing automated university admission in France. *Policy Studies*. ۴۳. ۱-۲۱. ۱۰.۱۰۸۰/۰۱۴۴۲۸۷۲.۲۰۲۱.۱۹۲۲۶۶۱.

Zahidie, A. et al. (۲۰۲۳). Building on the Health Policy Analysis Triangle: Elucidation of the Elements. *Pak J Med Sci*. ۳۹(۶):۱۸۶۵-۱۸۶۸. doi: ۱۰.۱۲۶۶۹/pjms.۳۹.۶.۷۰۵۶.